



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق  
علیه  
الصلوة  
والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

دار الفکر  
بیت الفکر  
کتابخانه دار الفکر  
www.darfakr.com



# القاعده

■ احمد ربیع قر ■ مهدی قر مکتوبان

۱۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# القاعده

نويسنده:

مهدی فرمانیان

ناشر چاپي:

دار الاعلام لمدرسه اهل البيت عليهم السلام

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	القاعده
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	دیباجه
۲۰	زندگی نامه بن لادن
۲۰	گاه شمار زندگی بن لادن
۲۴	تجاوز عراق به کویت و ورود کفار به جزیره العرب
۲۴	سفر به سودان
۲۶	بازگشت دوباره به افغانستان
۲۸	تأسیس جبهه اسلامی بین المللی برای مبارزه با یهود و صلیبیان؛ تغییر در تفکر سلفیان جهادی
۳۰	اقدامات القاعده
۳۰	اشاره
۳۲	۱. توحید
۳۴	۲. جهاد
۳۸	۳. جماعت
۴۰	۴. العدو القریب و العدو البعید
۴۲	۵. ایران
۴۴	۶. جنبش اسلامی حماس
۴۴	۷. وهابیت
۴۶	القاعده در شبه جزیره عربی
۴۸	اهداف ویژه القاعده در شبه جزیره
۵۰	القاعده در مغرب عربی
۵۲	القاعده در عراق

٥٤ ..... القاعده در افغانستان

٥٥ ..... منابع

٥٧ ..... درباره مرکز

سرشناسه : ربیعی فر، احمد، 1363 -

عنوان و نام پدیدآور : القاعده [کتاب] / احمد ربیعی فر، مهدی فرمانیان ؛ [ برای ] موسسه مطالعات بنیان دینی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات دارالاعلام لمدرسة اهل البيت عليهم السلام، 1394.

مشخصات ظاهری : 64 ص.؛ 21×11 س م.

فروست : سلسله مباحث جریان شناسی سلفی گری معاصر؛ 12.

شابک : دوره: 978-600-94805-3-9 ؛ 40000 ریال: 8-24-7667-600-978

یادداشت : این کتاب در سال 1396 تجدید چاپ شده است.

یادداشت : چاپ چهارم: 1397 (فپا).

یادداشت : چاپ چهارم: 1397.

موضوع : سازمان القاعده

موضوع : تروریسم

شناسه افزوده : فرمانیان، مهدی، 1352 -

شناسه افزوده : موسسه مطالعات بنیان دینی

شناسه افزوده : موسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت عليهم السلام

رده بندی کنگره : HV6431/ر2الف7 1394

رده بندی دیویی : 303/625

شماره کتابشناسی ملی : 3977853

ص: 1

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2





القاعده

تأليف: احمد ربيعي فر

ويراستارى علمى: مهدي فرمانيان

ناشر: انتشارات دارالإعلام لمدرسة اهل البيت

صفحة آرايى: محبوب محسنى

چاپ و صحافى: سليمان زاده

تيراژ: 5000 جلد

نوبت چاپ: اول - بهار 1394

قيمت: 4000 تومان

شابك: 978-600-7667-24-8

ص: 4

با توجه به تحولات منطقه و رشد و گسترش سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری، موسسه مطالعات بنیان دینی با هدف ارائه تحقیقات کاربردی و راهبردی، طرح کتابچه‌های مختصر و علمی در زمینه سلفی‌گری را به موسسه دارالاعلام پیشنهاد داد. مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهلالیبت:، با اشراف حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی - دام ظلّه الوارف- با هدف سلفی پژوهی و وهابیت شناسی و نقد آرا و افکار آنها، در سال 1389 تأسیس شد و با برگزاری دوره آموزشی - پژوهشی جریان شناسی سلفی‌گری و نقد وهابیت، به تربیت محقق در این زمینه پرداخت. در کنار تربیت متخصص، انتشار فصل نامه سراج منیر (مجله تخصصی نقد وهابیت) از مهم ترین اقدامات مؤسسه است که تاکنون، چهارده شماره از آن انتشار یافته و مورد استقبال مراجع، استادان و محققان قرار گرفته است. راه اندازی سایت وهابیت شناسی، انتشار آثاری در تبیین و نقد افکار سلفیه و ایجاد کتابخانه تخصصی، از دیگر فعالیت های این مؤسسه است.

در این زمینه، کمبود پژوهش های متقن، علمی و مختصر در شناخت و تحلیل جریان های سلفی معاصر وجود دارد؛ در حالی که اطلاع از وضعیت فعلی این جریان ها و ربط و نسبت آنها با دیگر گروه ها و مذاهب گوناگون، از احتیاجات مبرم مراکز علمی و فرهنگی کشور است؛ به همین علت، مؤسسه دارالاعلام که مؤسسه ای تخصصی و حوزوی است و از استادان مجرب و پژوهشگران متخصص در زمینه سلفی پژوهی و نقد وهابیت برخوردار است، طرح موسسه مطالعات بنیان دینی را پذیرفت و مقرر گردید که به صورت مشترک این کتابچه-ها انتشار یابد. این دو مؤسسه وظیفه خود می دانند که خلأ این پژوهش ها را پر کنند و در این زمینه، یاریگر مؤسسات و مراکز فرهنگی و علمی کشور باشند.

با توجه به مطالب بیان شده، مؤسسه طرح کتابچه های پالتویی در زمینه شناخت و تحلیل جریان های سلفی و تکفیری معاصر را در دستور کار قرار داد و با یاری گرفتن از استادان و پژوهشگران خود و موسسه مطالعات بنیان دینی، به انتشار چهارده کتابچه در معرفی و تحلیل جریان های سلفی معاصر اقدام کرد.

چهارده موضوع مورد تحقیق در زمینه جریان شناسی سلفی گری معاصر عبارتند از:

1. تاریخ تفکر سلفی گری؛

2. ابن تیمیه، مؤسس مکتب سلفیه؛

3. وهابیت، تاریخ و افکار؛

4. جریان سلفی - زیدی؛

5. دیوبندیه؛

6. جماعة التبلیغ؛

7. سپاه صحابه و لشکر جهنگوی؛

8. طالبان؛

9. اخوان المسلمین؛

10. سلفیہ جہادی؛

11. افغان العرب؛

12. القاعدہ؛

13. داعش؛

14. تأثیر افراط گری شیعه بر گسترش سلفی گری.

بیشتر نویسندگان از محققان مؤسسہ دارالاعلام هستند کہ با گذراندن دورہ پژوهشی دوسالہ نقد وہابیت در مؤسسہ، اکنون توانایی تبلیغ، تدریس و تحقیق در زمینہ سلفی پژوهی و نقد وہابیت را دارند و این تحقیق حاصل زحمات این عزیزان است.

در پایان، از حجت الاسلام والمسلمین دکتر مہدی فرمانیان، رئیس محترم مؤسسہ مطالعات بنیان دینی (اندیشکدہ راہبردی ادیان، فرق و مذاہب) کہ راہنمایی و ویرایش علمی این مجموعہ را نیز بہ عہدہ داشتند، صمیمانہ قدردانی می کنیم.

ص: 5

مهدی مکارم شیرازی

ریاست مؤسسه

دارالإعلام لمدرسة اهل البيت)

ص: 6

«جبهه جهاد علیه صلیبیون و یهود» نام اصلی تشکیلات افراطی و تکفیری القاعده است. این تشکیلات را تعدادی از سلفیان جهادی و به رهبری اسامه بن لادن، در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود قرن بیستم میلادی، در افغانستان، پایه گذاری کردند. این تشکیلات، هدف اصلی خود را مبارزه با آمریکا و هم پیمان های جهانی و منطقه ای اش اعلام کرد و در این زمینه به عملیات های متعددی علیه آمریکا دست زد. مهم ترین فعالیت نظامی، که به نام این گروه تکفیری تمام شد، تخریب برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در نیویورک، در یازدهم سپتامبر 2001 میلادی بود که غریبان از آن سوء استفاده کردند و دین اسلام، دین خشونت، ترور و قتل معرفی شد. القاعده، خواسته یا ناخواسته، در دام کسانی افتاد که جنگ تمدن ها را کلید زدند. رفتار خشونت آمیز القاعده، مستمسکی شد برای کوبیدن دین سراسر رحمت اسلام و مسلمان های جهان. این سرآغازی بود برای تجاوزهای آمریکا و هم پیمان هایش به جهان اسلام، و قتل و غارت به اسم دموکراسی و مبارزه با تروریسم.

این تفکرات عجیب و غریب از کجا آمده بود و چرا عده ای از مسلمان های به ظاهر متدین، این چنین چهره اسلام را تخریب می کردند؟ پاسخ این پرسش را باید در وضعیت اسفبار مسلمان ها و رفتار حاکمان سکولارش جست و جو کرد.

عواملی که به رشد تفکر بنیادگرایی سلفی جهادی در جهان اسلام دامن زدند عبارتند از: 1. امواج پرتلاطم مدرنیته و تندباد فکری و فرهنگی غرب در کشورهای اسلامی؛ 2. فقدان حکومت اسلامی و پیشرو در مقابله با این روند؛ 3. فقدان انگیزه دفاع از مقدسات و احکام اسلامی؛ 4. بازگشت به هویت اصیل اسلامی. (1)

روش سلفی گری در کشور مصر، با روی آوردن اسلام گرایان به تفکر سلفی در برابر هجوم فکری - فرهنگی غرب صورت گرفت و تلاش های محمد عبده، رشید رضا و حسن البنا، همگی در این مسیر به بار نشست و جبهه ای اسلام گرا و سلفی را در مقابل غرب گرایان و مدرنیته تشکیل داد. اما فقر، فساد و سرسپردگی حاکمان کشورهای اسلامی به قدرت های غربی، همواره چون خاری در چشم اسلام گرایان بود. در این میان نخستین کسی که با پیش زمینه بازگشت به هویت اسلامی، سخن از هجرت، جهاد و مبارزه با طاغوت ها را به میان آورد، سید قطب بود. وی توانست در همان ابتدای فعالیت خویش، کشور مصر را به لرزه درآورد، تا جایی که تفکرات وی، بذر گروه ها و سازمان های سلفی - جهادی را ابتدا در مصر و سپس در تمام کشورهای اسلامی افشاند. (2)

در واقع دو موتور اصلی حرکت جنبش های سلفی - جهادی در جهان اسلام عبارتند از: 1. تعالیم و کتب ابن تیمیه در دعوت به سلفیت، بازگشت به هویت اصیل اسلامی و کنار زدن بدعت ها؛ 2. تفکرات و کتب سید قطب در فرا خواندن به هجرت، جهاد و مبارزه با طاغوت ها برای رسیدن به حکومتی الهی و اسلامی که تمام احکام اسلام را جاری کند. (3)

مصر به جولانگاه جنبش های جهادی مبدل شد؛ جنبش هایی مانند جماعت اسلامی جهاد به رهبری شیخ عمر محمد عبدالرحمن (1967)، سازمان تکفیر و هجرت به رهبری احمد شکری مصطفی (1972)، سازمان آزادی بخش اسلامی، به سرکردگی صالح السریه (1974) و سازمان جهاد به رهبری محمد عبدالسلام فرج (1979).

این جنبش های سلفی - جهادی با جذب نیروهایی از میان اقشار مختلف اسلام گرایان مصر مانند پزشکان، اساتید دانشگاه، افسران نظامی و دانشجویان، نفوذ خود را در این کشور افزایش داد، به مبارزه با حاکمان وقت پرداختند. اقدامات مسلحانه و ترورهایی که این جنبش انجام داد باعث شد فشار حکومت مصر بر این گروه ها افزایش یابد و سران و اعضای آنها به زندان بیفتند؛ تا جایی که در اثر این

فشارها و با به صدا درآمدن طبل جنگ در افغانستان و فریاد و جوب جهاد و دفاع از سرزمین اسلامی افغانستان و ساکنان مسلمان آن، تعداد بسیاری از مبارزان سلفی مصر از این کشور خارج شدند و به افغانستان رفتند تا فریضه جهاد و دفاع از وطن مسلمان ها را به جای آورند.

ص: 7

- 
- 1- . نک.: مهدی بخشی شیخ احمد، «القاعده و تروریسم مذهبی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش 41، به نقل از: الیور روی، ص 202؛ خورشید نجفی جویباری، «واکاوی نوین‌گرایی اسلامی و جهانی شدن هویت»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش 3، ص 77-78.
  - 2- . فواز جرجس، القاعده: الصعود و الافول، ص 42.
  - 3- . نک.: گروهی از نویسندگان، الفتنة الغائبة، ص 35.

هجوم شوروی به افغانستان در 1979، به مثابه تجاوز به بلاد مسلمان ها، گروه های جهادی جهان اسلام را برانگیخت تا برای دفاع از مرزهای اسلامی وارد عمل شوند. این جنگ زوایای مختلفی داشت و منافع طرف های مختلفی که در پیروزی افغان ها بر شوروی متمرکز شده بودند، آنها را با یکدیگر متحد کرد و کشورهای مختلفی به رهبری ایالات متحده آمریکا در پی ساختن سدی در برابر توسعه جغرافیایی کمونیسم برآمدند. در این میان، قاعده اسلامی جهاد، مهم ترین عامل برانگیختن عناصری بود که در جهان اسلام، نیروی انسانی مورد نظر برای گسیل به این میدان به حساب می آمدند.

دولت ایالات متحده، که کارگردان اصلی این میدان به حساب می آمد، با هدف حفظ منافعش و جلوگیری از قدرت یافتن شوروی، به تکاپو افتاد. (1) ریچارد نیکسون، رئیس جمهور آمریکا در سال های 1979 تا 1982، به پاکستان رفت و از اردوگاه های نظامی مهاجران افغانستان در پاکستان دیدن کرد. کنگره آمریکا نیز حمایت همه جانبه این کشور را از افغان ها، در مبارزه علیه شوروی، تصویب کرد. (2) بر همین اساس، آمریکا برنامه ای را فراهم کرد تا با استفاده از توانایی مالی و نیروی انسانی موجود در کشورهای عربی و اسلامی، به تقویت جبهه افغان ها پردازد. همچنین، آمریکا برای نخستین بار توانست استفاده از نیروهای جهادی سلفی و احساسات دینی آنها را به مثابه سلاحی غیرمستقیم و به منظور پیش برد اهدافش در منطقه تجربه کند. با این کار، دیگر نیازی به ورود آمریکا در جنگی مستقیم با شوروی نبود و هزینه های این جنگ، اعم از تلفات نیروها، اعتراض های داخلی و هزینه های فراوان مالی از دوش دولت ایالات متحده برداشته می شد.

آمریکا توانست با بسیج کردن دولت های عربی حاشیه خلیج فارس، و در رأس آنها عربستان سعودی، و ترساندن آنها از گسترش کمونیسم، آنها را وارد این میدان کند. همچنین توانست از حیث تأمین هزینه های مالی جنگ و ارسال نیروهای داوطلب برای حضور در جنگ، بیشترین استفاده را از این کشورها ببرد. سازمان اطلاعات پاکستان، آی.اس.آی.، نیز سهم عمده ای را در سازماندهی و فرستادن این نیروها و تجهیزات به خاک افغانستان داشت؛ تا جایی که شهر مرزی پیشاور پاکستان به دانشگاهی برای جهادگران سلفی تبدیل شده بود، که با تفکرات و دیدگاه های مختلف در این شهر گرد هم آمده بودند و دو اصل جهاد و بنیادگرایی اسلامی عامل وحدت آنها شده بود. (3)

در این جنگ، جوان های داوطلبی که از کشورهای مختلف مانند مصر، عربستان، تونس، لیبی، فلسطین، سودان و سایر کشورهای اسلامی برای آموزش و اعزام به افغانستان وارد پاکستان می شدند، نیاز به سازماندهی داشتند. سازماندهی آنها در اردوگاه هایی نظامی در نزدیکی مرز افغانستان صورت می گرفت.

عبدالله عزام فلسطینی، از رهبران جهادی فعال در این عرصه بود، که پیش از ورود بن لادن به میدان جنگ در افغانستان، با تأسیس دفتر مکتب الخدمه به سازماندهی نیروهای مجاهد، اعم از نیروهای افغان و عرب، می پرداخت. وی با سفر به کشورهای مختلف و نوشتن کتاب هایی با موضوع جهاد و شعار احیای قاعده جهاد برای آزادسازی کشورهای اسلامی اشغال شده به دست کفار، نیروهای بسیاری را جذب پادگان های نظامی در پاکستان کرد و خود نیز با تأسیس مکتب الخدمه و اردوگاه های نظامی، مانند اردوگاه صدی، به پشتیبانی و آموزش آنها پرداخت. (4)

ورود جهادگران سلفی به جنگ در افغانستان، به رهبری عبدالله عزام، ظهور پدیده افغان العرب را رقم زد. عبدالله عزام با کمک های مالی و پشتیبانی هایی که از کشورهای اسلامی و سرمایه داران مسلمان در کشورهای دیگر جمع آوری می کرد در مکتب الخدمه به سازمان دهی



افغان العرب و نیروهای مجاهد در افغانستان می پرداخت. همین امر سبب آشنایی و همکاری میلیونر سعودی، یعنی بن لادن، با عبدالله عزام شد؛ چراکه بن لادن یکی از مهم ترین سرمایه داران عرب بود که بیشترین کمک ها را به جهاد در افغانستان می کرد.

ص: 8

- 
- 1- . کمیل الطویل، القاعده و اخواتها، ص 13-14.
  - 2- . سعود المولی، الجماعات الاسلامیة و العنف، ص 681-682.
  - 3- . همان، ص 685.
  - 4- . همان، ص 686؛ جمعی از نویسندگان، الحركات الاسلامیة فی الوطن العربی، ج 2، ص 1310-1311.

تا آغاز 1986، عبدالله عزام همچون مرشدی امین برای بن لادن تلقی می شد و رابطه آنها خوب بود. از زمانی که وی با ورود به افغانستان، عملاً وارد میدان نبرد شد، اختلاف نظر میان او و عبدالله عزام بروز کرد و راهش از عزام جدا شد. یکی از موارد اختلاف بین آنها این بود که عزام معتقد بود مجاهدان عرب باید در میان افغان ها باشند، چراکه ما برای حمایت از آنها آمده ایم و این برای همبستگی میان آنها نیز بهتر است. اما بن لادن در پی ایجاد نیروهای مستقل عرب بود، که جدای از افغان ها فعالیت کنند. (1)

عبدالله عزام، برخلاف ایمن الظواهری و جهادی های مصری که اطراف بن لادن را فرا گرفته بودند، اعتقادی به مبارزه مسلحانه علیه حاکمان مسلمان نداشت و به شدت با این امر مخالف بود. وی، استفاده از سلاح را فقط برای مبارزه با کفار و متجاوزان به مرزهای اسلام مشروع می دانست؛ از این رو، نزاع هایی میان وی و ایمن الظواهری شکل گرفت. عزام، همچنین اعتقادی به مبارزه جهانی علیه غرب نداشت و بنا به گفته دکتر فضل، رهبر سازمان جهاد مصر و یکی از مهم ترین مشاوران ظواهری، تشکیل سازمان القاعده با تفکر مبارزه جهانی علیه غرب، در واقع انحراف از تفکرات عبدالله عزام بود. (2)

#### تأسیس القاعده

در اواخر سال 1985 و اوایل 1986، اسامه بن لادن، شخصاً وارد عرصه جهاد در افغانستان شد. وی که از ابتدای جنگ در افغانستان تا این تاریخ فقط برای رساندن کمک های مالی به پاکستان سفر کرده بود، این بار با تأسیس اردوگاهی نظامی عملاً وارد عرصه جهاد شد و به همراه اطرافیانش، که غالباً جهادی های مصری بودند، در کنار عبدالله عزام شروع به فعالیت کرد. (3)

اما در ادامه مسیر میان عبدالله عزام و بن لادن و همراهانش اختلاف هایی (4)

بروز کرد که به جدایی این دو انجامید. سپس بن لادن با تأسیس بیت الانصار در پشاور پاکستان، از مکتب الخدمه جدا شد و مرکزی ویژه برای جهادی های عرب تأسیس کرد. (5)

او در میانه سال های 1986 و 1987، نزدیک پادگان نیروهای شوروی در شرق افغانستان، پادگانی برای جنگجویان عرب تشکیل داد، که در دهکده جاجی در ده مایلی مرز پاکستان قرار داشت و به المأسده، کمین گاه شیران، معروف بود. بن لادن، درگیری با نیروهای شوروی را در بهار 1987 از همین پایگاه آغاز کرد و به همراه نیروهایش پیروزی های بزرگی در این پایگاه نظامی رقم زد. (6)

به عقیده کمیل الطویل، در کتاب القاعده و اخواتها، تشکیلات القاعده در 1988 و پس از پیروزی افغان العرب ها بر نیروهای شوروی، به دست بن لادن و همراهان مصری اش تأسیس شد. (7)

در مقابل، اغلب کارشناسان معتقدند سازمان القاعده ده سال بعد، یعنی در 1998، تأسیس شده است. اما واقعیت این است که در 1988، القاعده نه به عنوان سازمان بین المللی جهاد، بلکه صرفاً در قالب تشکیلاتی ایجاد شد تا به ساماندهی اوضاع مجاهدان موجود در افغانستان و پاکستان بپردازد و با ثبت مشخصات، سال ورود، خروج و ... به امور مرتبط با آنها رسیدگی کند. در واقع، این تشکیلات به عنوان مرکزی برای رجوع خانواده های مجاهدان و پیگیری امور آنها تأسیس شد. (8)

اما همین تشکیلات با گذشت زمان توسعه یافت و پس از ده سال به جبهه ای بین المللی مبدل شد، که در ادامه، نحوه توسعه این تشکیلات و تبدیل آن به سازمانی بین المللی بیان شده است.

درباره وجه تسمیه «سازمان القاعده» نیز برخی کارشناسان مانند پیتر ال. برگر معتقدند این نام از سخنان و مقاله های عبدالله عزام اخذ شده است. در شماره 41 مجله جهاد، (9)

در آوریل 1988 مقاله ای از عبدالله عزام به نام «القاعدة الصلبة» منتشر شد که وی در این مقاله

ص: 9

- 
- 1- . پیتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص 97 و 100.
  - 2- . فواز جرجس، القاعده: الصعود والافول، ص 53-54.
  - 3- . سعود المولی، الجماعات الاسلامية والعنف، ص 687.
  - 4- . برای آگاهی از این اختلافات، نک.: جمعی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج 2، ص 1311.
  - 5- . کمیل الطویل، القاعده و اخواتها، ص 21.
  - 6- . پیتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص 99-100.
  - 7- . کمیل الطویل، القاعده و اخواتها، ص 30-31.
  - 8- . عبدالباری عطوان، القاعده التنظيم السرى، ص 61.
  - 9- . مجله جهاد از طرح های مهم دفتر خدمات عزام و بن لادن بود که در پایان 1984 انتشار آن آغاز شد. این مجله عربی ماه نامه بود و در سراسر جهان اسلام و برخی کشورهای غربی، مانند آمریکا، توزیع می شد. مجله جهاد اخبار جنگ افغانستان را منتشر می کرد و در پی توحید مساعی در جهت کمک به جهاد افغان بود؛ پیتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص 79.

نوشته بود: «پیشرفت هر اصلی مستلزم پیش گامی است و نهادینه کردن راه آن در درون جامعه، تکالیف سنگین و فداکاری های گوناگونی می طلبد. این پیش گامی برای رسیدن به جامعه مطلوب، پایگاه محکم (القاعدة الصلبة) را می طلبد». چهار ماه پس از آنکه عزام، درباره ضرورت پایگاه محکم برای ایجاد یک جامعه کامل اسلامی مطلب نوشت، بن لادن، القاعده را تأسیس کرد، اما با اهدافی متفاوت با تفکرات عزام. (1)

پیش از پرداختن به فضای پس از تأسیس القاعده به دست بن لادن، ضروری است اطلاعاتی اجمالی درباره مؤسس این سازمان و نخستین سرکرده آن ارائه شود.

## زندگی نامه بن لادن

اسامه بن محمد بن عوض بن لادن، در دهم مارس 1957، در شهر ریاض عربستان و در خانواده ای ثروتمند به دنیا آمد. مادرش سوری و پدرش از منطقه حضرموت یمن، به عربستان کوچ کرده بودند. اسامه، که وهابیت را مذهب و مرام خویش انتخاب کرده بود، در زمینه علمی، مدرک کارشناسی اقتصاد را از دانشگاه ملک عبدالعزیز در جدّه، گرفت تا مدیریت شرکت تجاری پدرش را بر عهده بگیرد. (2)

فضایی که نوجوانی و جوانی اسامه در آن سپری شد، تأثیر بسزایی در شکل دادن به روحیه و افکار او داشت. وی، هنگامی به سن بلوغ رسید که پس از شکست اعراب در جنگ 1967 در نبرد با اسرائیل، جریان الصحوه (بیداری) در جهان اسلام به راه افتاده بود. این شکست تحقیرآمیز یک سال پس از اعدام سید قطب رخ داد. شهادت سید قطب و نوشته هایش نیز در شکل گیری بیداری اسلامی در آن مرحله بی تأثیر نبود.

چهار رویداد تکان دهنده در پی این مرحله از بیداری اسلامی، آن را به اوج خود رساند و تأثیری شگرف بر بن لادن و اعضای آینده القاعده (سلفیان جهادی) بر جای گذاشت. این رویدادها عبارت بودند از: 1. سرنگونی شاه ایران و پیروزی شیعیان ایران با شعارهایی اسلامی بر دیکتاتور دست نشانده غرب در ایران، آن هم به رهبری یک روحانی، یعنی امام خمینی؛ 2. سیطره مبارزان سعودی بر مسجدالحرام در قضیه جهیمان و ادعای مهدویت از سوی آنها؛ 3. توافق تاریخی مصر با اسرائیل در قالب پیمان کمپ دیوید و تهاجم شوروی به افغانستان. این موقعیت تاریخی و تعیین کننده توانست از بن لادن بیست و دو ساله، مسلمانان جهادی خلق کند. (3)

روحیات ضد صهیونیستی پدر بن لادن نیز در این میان بی تأثیر نبود. زیرا بن لادن، ده ساله بود که جنگ میان اسرائیل و شش کشور عربی درگرفت و به شکست مفتضحانه اعراب انجامید. اسامه می گوید پدرش، که شرکت ساختمان سازی داشت، تمام مهندسان شرکت را فرا خواند و از آنها پرسید چه تعداد بولدوزر می توانید فراهم کنید؟ آنها بولدوزرها را شمردند و گفتند بیش از دوست و پنجاه بولدوزر. محمد بن لادن از مهندسان پرسید می توانید این بولدوزرها را به 250 تانک تبدیل کنید، یکی از مهندسان پرسید برای چه؛ او گفت می خواهم این تانک ها را علیه یهودی هایی به کار گیرم که سرزمین ما را اشغال کرده اند. (4)

اسامه بن لادن، فرزند همان پدر بود که می خواست بولدوزرهای شرکتش را برای مبارزه با صهیونیست ها تبدیل به تانک کند، لذا تمام ثروت و تجهیزاتی را که از پدر به ارث برده بود به کار گرفت تا به کمک مجاهدان مسلمان در افغانستان بشتابد. اما ورود بن لادن به عرصه جهاد در افغانستان، به آشنایی وی با سلفیان جهادی مصر و تأسیس سازمان القاعده انجامید و مسیر زندگی اش را به کلی تغییر داد.

## گاه شمار زندگی بن لادن

1957: تولد در شهر ریاض عربستان؛

1967: کشته شدن محمد بن لادن، پدر اسامه در سانحه ای هوایی؛

1968: ورود به مدرسه الثغر در جده؛

ص: 10

---

1- . پیتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص 128.

2- . عبدالرحمن مظهر الهلوش، الشيخ و الطیب، ص 25-26.

3- . پیتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص 43-44.

4- . همان، ص 51.

- 1974: ازدواج با نخستین همسر خود، نجوا غانم؛
- 1976: ورود به دانشگاه ملک عبدالعزیز در جدّه؛
- 1980: نخستین سفر به پاکستان پس از حمله شوروی به افغانستان؛
- 1984: کمک به تأسیس دفتر خدمات؛ نخستین سفر به افغانستان؛
- 1986: تأسیس نخستین پایگاه خود در جاجی، واقع در شرق افغانستان؛
- 1987: شرکت در جنگ جاجی و شهرت یافتن به عنوان جنگجو؛
- 29 مه 1988: کشته شدن سالم بن لادن، بزرگ ترین برادر وی، در سانحه ای هوایی؛
- اوت 1988: تأسیس القاعده؛
- فوریه 1989: نیروهای شوروی، افغانستان را ترک کردند؛
- نوامبر 1989: ترک پاکستان و بازگشت به عربستان؛
- 2 اوت 1990: حمله عراق به کویت؛
- اوایل 1991: بازگشت بن لادن به پیشاور در پاکستان؛
- اوایل 1992: سفر به خارطوم، پایتخت سودان؛
- آوریل 1994: طرد شدن از سوی خانواده و از دست دادن تابعیت سعودی؛
- نیمه مه 1996: برای ترک سودان تحت فشار قرار گرفت و به افغانستان بازگشت؛
- 23 اوت 1996: برای جنگ با ایالات متحده آمریکا فتوا داد؛
- نیمه 1996: خالد شیخ محمد، طراح یازده سپتامبر را جذب تشکیلات کرد؛
- 10 مه 1997: نخستین مصاحبه او را سی.ان.ان. پخش کرد؛
- 22 فوریه 1998: جبهه جهانی جهاد اسلامی علیه یهود و صلیبیان تشکیل شد؛
- 7 اوت 1998: بمب گذاری در پایگاه های آمریکا در کنیا و تانزانیا؛
- سپتامبر 1998: ملاعمر، تقاضای سعودی ها مبنی بر استرداد بن لادن را رد کرد؛

12 اکتبر 2000: حمله به کشتی کول آمریکایی؛

11 سپتامبر 2001: حمله به برج های دوقلوی تجارت جهانی؛

7 اکتبر 2001: نوار ویدیویی بن لادن پس از یازده سپتامبر روی آنتن می رود و نبرد آمریکا علیه طالبان آغاز می شود؛

2001-2011: ده سال به صورت مخفی در کوه های تورابورای افغانستان و منطقه مسکونی ابوت آباد، القاعده را رهبری می کرد.

1 مه 2011: به دست نیروهای آمریکایی در پاکستان کشته شد.

#### تحولات تاریخی القاعده

چندی پس از شکست شوروی در 1988، عبدالله عزام، که اطرافیان بن لادن با او دشمنی داشتند، در 1989 به وسیله آمریکایی ها در خودرویی بمب گذاری شده ترور شد.<sup>(1)</sup> در پی ترور وی، جبهه مجاهدان افغان العرب دچار از هم گسیختگی و پراکندگی شد. برخی به دلیل وجود اختلاف ها و نزاع های میان ایمن الظواهری و عبدالله عزام، ظواهری را متهم به ترور عزام کرده اند، اما برخی دیگر معتقدند پیش از ترور عبدالله عزام، پیام خطاری از جانب سازمان اطلاعات پاکستان به عبدالله عزام و بن لادن ارسال شد، با این مضمون که سازمان اطلاعاتی آمریکا (سی.آی.ای.) در پی ترور آنهاست و دو هفته پس از این پیام، واقعه ترور عبدالله عزام رخ داد.<sup>(2)</sup>

ص: 11

---

1- . عبدالرحمن مظهر الهلوش، الشیخ و الطیب؛ اسامه بن لادن و ایمن الظواهری، ص 29.

2- . عبدالباری عطوان، القاعده: التنظيم السری، ص 62.

افغان العرب ها يا عرب افغان ها، پس از اخراج نيروهاي شوروي از افغانستان، از اينكه موجبات شكست ابرقدرتي بزرگ را فراهم کرده بودند، اعتماد به نفس فراواني به دست آوردند و ديدگاهي جهاني را براي خود ترسيم کردند. از طرفي، به هنگام بازگشت اين مبارزان به کشورهايشان، به جاي اينكه به عنوان قهرمان از آنها استقبال شود، مبارزاني متعصب، كه مي توانند تهديدي سياسي براي رژيم هایشان باشند، تلقي، و منزوي شدند. علاوه بر اين، برخي عوامل زمينه رشد و گسترش جنبش هاي جهادي و مقدمات جهاني شدن اين جنبش ها را فراهم آورد، از جمله: 1. جنگ خليج فارس و پيامدهاي ورود نيروهاي آمريكايي به عربستان سعودي؛ 2. سرکوب جنبش هاي اسلامي به دست رژيم هاي سياسي؛ 3. نبردهاي مسلحانه در مصر و الجزاير و جمهوري هاي تازه استقلال يافته در آسيای مرکزی و قفقاز، کشمير، فيليپين و بوسني؛ 4. فراهم شدن مکان امنی در افغانستان تحت سيطره طالبان. (1)

## تجاوز عراق به کويت و ورود کفار به جزیره العرب

بن لادن، پس از پيروزي بر شوروي، به زادگاهش عربستان سعودي بازگشت. در همان سال اول بازگشت وي (1989)، در اثر هجوم کشور عراق به کويت، عربستان سعودي براي جلوگیری از زياده خواهی هاي عراق و عقب راندنش از کويت، دست به دامان ايالات متحده شد. نيروهاي آمريكايي با تأسيس پادگان هايي نظامی در عربستان سعودي، براي مبارزه با نيروهاي صدام در کويت، وارد عربستان شدند، كه اين مسئله بنا به ادعان بن لادن و به نقل از عبدالباري عطوان، كه با وي مصاحبه کرده بود، صدمه سختی به بن لادن زد؛ چراكه به گفته بن لادن، براي وي سخت بود كه باور کند آل سعود به ورود و گسترش نيروهاي كافر غربي در سرزمين عربستان خوش آمد بگويد. (2)

بن لادن با ارسال نامه هاي متعدد به حكام سعودي، از آنها خواست به جاي پناه بردن به کفار و راه دادن آنها در کشور اسلامي، از نيروهاي جهادي مسلمان براي مبارزه با تجاوز عراق استفاده کنند. (3)

وي در 1990، با ارسال نامه اي به نايف بن عبدالعزيز، وزير کشور وقت عربستان، به وي پيشنهاد داد تا براي آزادسازی کويت از دست عراق، به مجاهدان مسلمان و افغان العرب ها متوسل شود. او ادعا کرد كه مي تواند صد هزار نفر نيروي مسلح را در اين زمينه جمع و سازماندهي کند. اما نه تنها حكام سعودي توجهی به اين نامه ها نکردند، بلکه مضامين اين نامه ها، بن لادن را در چشم آنها به فردي خطرناک و ضد نظام سعودي مبدل کرد؛ به اين معنا كه ممكن است در آينده خطرات فراواني را براي پادشاهي عربستان بيافريند. (4)

از اين رو، حکومت سعودي با مصادره گذرنامه بن لادن، وي را ممنوع الخروج کرد و با فشار بر او، تحركاتش را زير نظر قرار داد. اما وي با کمک یکی از دوستانش، كه متصل به خاندان حاکم بود، توانست به بهانه رسيدگی به برخی از کارهاي به جا مانده در پاکستان، فقط براي سفر به اين کشور اجازه خروج بگيرد و به آنجا سفر کند. (5)

## سفر به سودان

وي زماني كه به پاکستان آمد، با صحنه نزاع میان گروه هاي جهادي مواجه شد. او از عرب ها خواست كه خود را درگير اين نزاع ها نکنند و خود نیز با ميانجی گری بين گروه هاي افغانی کوشيد به اين نزاع ها پايان دهد. اما تلاش هاي او بی نتیجه ماند. (6)

سرانجام پس از مدتی کوتاه و با کودتای نظامی 1989، كه از طريق آن حزب ملی اسلامي نجات، در سودان به قدرت رسيد، بن لادن به اين نتیجه رسيد كه کشور سودان بهترين مکان براي رشد تشکيلات وي و همراهان مصري اش محسوب می شود؛ چراكه مي توانست در اين کشور آزادانه به فعاليت هاي خویش و سازماندهي نيروهايش بپردازد. (7)



اسامه در میان حلقه همراهانش در دسامبر 1991 عازم سودان شد. وی توانست در سودان با استفاده از ثروت خود، برخی پروژه های عمرانی و کشاورزی را صورت دهد؛ از جمله، ساخت فرودگاه بور سودان و بزرگراه 400 کیلومتری میان بور سودان و خارطوم، پایتخت

ص: 12

- 
- 1- . علی عبدالله خانی، کتاب امنیت بین الملل، ص 182-183؛ مهدی عباس زاده فتح آبادی، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت»، فصلنامه سیاست، ش 4، ص 123-124.
  - 2- . عبدالباری عطوان، القاعده التنظيم السری، ص 62-63.
  - 3- . گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج 2، ص 1316.
  - 4- . عبدالباری عطوان، القاعده التنظيم السری، ص 62-63.
  - 5- . همان، ص 64؛ گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ص 1316.
  - 6- . عبدالباری عطوان، القاعده: التنظيم السری، ص 64.
  - 7- . همان.

سودان. همچنین، زراعت هزاران هکتار گندم و گیاهان دیگر؛ که در انجام دادن این پروژه ها از افغان العرب هایی که به او پیوسته بودند و اغلب از جهادی های مصری بودند، بهره جست. اما این تنها زاویه فعالیت های وی در سودان نبود، بلکه در طول اقامتش در سودان تشکیلات خود را وسعت بخشید و در این دوره با مصاحبه ها و بیانیه های مطبوعاتی اش همواره مسلمان ها را به انقلابی اسلامی فرا می خواند. (1)

سازمان القاعده در 1992، نظامیان آمریکایی را، که به عنوان مسافر در هتل «گلد مور» در شهر عدن یمن اقامت گزیده بودند، هدف قرار داد که به کشته شدن سه نظامی آمریکایی و مجروحیت پنج تن از آنها انجامید. در 1993 نیز در درگیری های مگادیشو با حمله به نظامیان آمریکا، دو هلی کوپتر آنها را سرنگون کرد. (2) در 1995 نیز انفجارهایی که در عربستان سعودی به دست عناصر این سازمان ترتیب داده شد، به کشته شدن پنج تن انجامید، که سه تن از آنها کارشناسان نظامی آمریکایی بودند. (3)

همچنین در 1996، در عملیاتی که به وسیله کامیونی بمب گذاری شده در عربستان صورت گرفت، 19 آمریکایی کشته و 400 نفر مجروح شدند.

دشمنی بن لادن با آمریکا و نارضایتی وی از حضور نیروهای غربی در خاک سعودی به جایی رسید که وی در نامه ای خطاب به علمای عربستان آنها را به مبارزه با آمریکا به عنوان دشمنی که به سرزمین اسلام تجاوز کرده، دعوت کرد. وی همچنین در 1995 با صدور بیانیه ای، پادشاه عربستان را مرتد خواند و از او خواست که منصب حکومت را رها کند. این اقدامات و مواضع وی باعث شد فشار دولت سعودی بر سودان، برای اخراج بن لادن و ساکت کردن وی بیشتر شود. (4)

بن لادن نخستین بیانیه ضد آمریکایی خود را، در 26 آگوست 1996 و با عنوان «جهاد علیه آمریکا که دو سرزمین مقدس را اشغال کرده است»، صادر کرد. او در این بیانیه به جهاد همه جانبه علیه آمریکا دعوت کرده بود. وی همچنین در این بیانیه، دولت عربستان سعودی را به دو دلیل فاقد مشروعیت می داند؛ اول اینکه، شریعت اسلامی را کنار گذاشته و دوم اینکه، به نیروهای کفار، یعنی صلیبی های آمریکایی، اجازه داده است کشور را اشغال کنند. (5)

اقدامات بن لادن و عملیات های تروریستی القاعده در عربستان و حتی کشورهای غربی در سال های حضور وی در سودان (1991-1996)، فشارهای بین المللی را بر این کشور مضاعف کرد و موجبات نارضایتی برخی دولت های عربی را نیز فراهم آورد. (6)

از این رو، از 1994، فشارهای حکومت سودان بر بن لادن آغاز شد تا جایی که وی چند بار در سودان مورد سوء قصد قرار گرفت و جان سالم به در برد. این اتفاقات و همچنین اشارات حکومت سودان، که ناتوانی خویش را از تحمل ادامه اقامت وی در سودان ابراز داشتند، اسامه را بر آن داشت تا خاک سودان را ترک کند. (7)

## بازگشت دوباره به افغانستان

افغانستان بهترین و شاید تنها کشوری بود که می توانست پذیرای اسامه بن لادن و همراهانش باشد. از این رو وی ضمن تماس با دوستان قدیمی خود در افغانستان، مانند شیخ یونس خالص و جلال الدین حقانی، که نفوذ فراوانی در منطقه جلال آباد افغانستان داشتند، مقدمات ورود به افغانستان را مهیا کرد. (8)

وحید مزده، که در بین سال های 1995 تا 2001 در بخش های گوناگون وزارت خارجه افغانستان چندین سمت داشته، این گونه نوشته

است:

برخی اعضای حزب اسلامی [گروه افغان] به رهبری یونس خالص در 1996 به سودان رفتند و به بن لادن پیشنهاد کردند به افغانستان برود. دو هواپیما از افغانستان به شارجه رفت تا بن لادن را بیاورد. یک هواپیما به خارطوم رفت و برای یک توقف شبانه به شارجه بازگشت. بن لادن سوار

ص: 13

- 
- 1- . همان، ص 64-65.
  - 2- . فیلم سینمایی آمریکایی سقوط شاهین سیاه (Black Hawk Down) بر اساس همین واقعه ساخته شده است.
  - 3- . عبدالباری عطوان، القاعده التنظيم السری، ص 66-68.
  - 4- . فواز جرجس، القاعده: الصعود و الافول، ص 66-67.
  - 5- . مهدی بخشی شیخ احمد، «جهاد از ابن تیمیه تا بن لادن»، نشریه راهبرد، ش 39، ص 206.
  - 6- . همان، ص 66-67.
  - 7- . همان، ص 67.
  - 8- . کمیل الطویل، القاعده و اخواتها، ص 278.

این هواپیما بود. روز بعد سوار هواپیمای دیگری شد. یک هواپیما برای فریب، به طالبان رفت، اما هواپیمای حامل بن لادن به جلال آباد رفت که در آن هنگام در دست نیروهای حاجی قدیر بود و از بن لادن مانند مهمانی عالی قدر استقبال کرد. اما در 26 ژوئیه 1996 منطقه جلال آباد تحت سیطره طالبان قرار گرفت و بن لادن نیز با طالبان هم پیمان شد و تحت حمایت آنها جنگ مقدس خود با غرب را رسماً آغاز کرد. (1)

در ماه می 1996، زمانی که بن لادن به اتفاق هواداران مصری اش وارد افغانستان شد، هنوز درگیری میان گروه های مسلح افغان در این کشور ادامه داشت و هر گروهی منطقه نفوذ و قدرتی را در اختیار داشت. اما با گذشت چند ماه از حضور بن لادن در افغانستان، به ناگاه جنبش طالبان قدرت فزاینده ای یافت و توانست مناطق مختلف افغانستان را یکی پس از دیگری تحت تصاحب خویش درآورد و در سپتامبر 1996 وارد پایتخت افغانستان شود. اما این جنبش هنوز برای افغان العرب ها ناشناخته بود تا اینکه ابومصعب سوری، از رهبران جهادی موجود در افغانستان، با مطالعه و بررسی تفکرات و اقدامات طالبان، گرایش به این جنبش و مبارزه در کنار طالبان را مشروعیت بخشید و با نوشتن جزوه ای سی و پنج صفحه ای در این باره، طالبان را جنبشی مشروع و سلفی معرفی کرد. (2)

با به قدرت رسیدن طالبان، ملا عمر، سرکرده این جنبش، هیئتی را برای دیدار با بن لادن به سوی وی فرستاد تا او را از حمایت جنبش طالبان از او مطمئن کند. این هیئت از بن لادن خواستند که دیدارها و مصاحبه هایش با خبرنگاران و هرگونه فعالیت رسانه ای را متوقف کند. علاوه بر این، بن لادن بنا به درخواست ملا عمر و برای حفظ جان، در 1997 جلال آباد را ترک و به قندهار، محل تمرکز و پایگاه طالبان، عزیمت کرد. (3)

### تأسیس جبهه اسلامی بین المللی برای مبارزه با یهود و صلیبیان؛ تغییر در تفکر سلفیان جهادی

دکتر ایمن الظواهری، (4)

شخص دوم در تشکیلات القاعده و سرکرده جهاد اسلامی مصر، در ژانویه 1998 پیش نویس یک بیانیه رسمی را نوشت که بر اساس آن تمام گروه های جهادی گردآمده در افغانستان زیر یک پرچم و به دور از درگیری های منطقه ای، جهادی بین المللی را علیه آمریکا آغاز می کردند. وی در این بیانیه بنا بر سه اتهام، آمریکا را دشمن قلمداد کرد: 1. استمرار حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در عربستان سعودی، با وجود گذشت هفت سال از جنگ خلیج فارس؛ 2. اراده آمریکا بر ویران سازی عراق و کشتار مردم آن؛ و 3. هدف اصلی آمریکا در منطقه، که مبتنی بر حمایت از اسرائیل و تضعیف سایر کشورهای منطقه است. وی تمام این موارد را جنگ علیه خدا و رسولش و مسلمان ها قلمداد کرده است. پس از این بیانیه، اعضای هم پیمان گروه های جهادی موجود در افغانستان، فتاویی را بدین مضمون صادر کردند که کشتن آمریکایی ها و هم پیمان هایشان، چه نظامی باشند و چه شهروند معمولی، واجب عینی بر هر فرد مسلمانی است که در هر کشوری این فرصت برایش فراهم شود. متن این فتوا را، که ائتلافی با نام «الجبهة الإسلامية العالمية للجهاد ضد اليهود و الصلیبیین» صادر کرده بود، در 23 فوریه 1998 روزنامه القدس العربی در لندن چاپ و منتشر کرد. این فتوا را کسانی همچون بن لادن، ایمن الظواهری (با عنوان رهبر جماعت جهاد)، رفاعی طه (با عنوان رهبر جماعت اسلامی) و رهبران معارض پاکستانی (شیخ میر حمزه، دبیر کل جمعیت علما، فضل الرحمان، رهبر جنبش انصار، و شیخ عبدالسلام محمدخان، رهبر جنبش جهاد بنگلادش) امضا کرده بودند. (5)

امضاکنندگان این بیانیه فتوایی، کشتن آمریکایی ها و هم پیمان های آمریکا، اعم از شهروند معمولی و نیروهای نظامی را واجب عینی دانستند و تأکید کردند که بر هر فرد مسلمانی واجب است در هر کشور و منطقه ای از بلاد اسلامی که زندگی می کند، در صورت توان به

این واجب عینی عمل کند تا مسجدالاقصی و مسجدالحرام از قبضه کفار خارج شود و نظامیان آنها بلاد اسلامی را با ذلت و سرشکستگی ترک کنند. (6)

ص: 14

- 
- 1- . پیتر ال. برگر، اسامه بن لادن، ص 217-220.
  - 2- . همان، ص 279-282.
  - 3- . همان، ص 283-284.
  - 4- . ظواهری در خانواده ای اشرافی در 1951 در حومه قاهره و محله ای به نام معادی متولد شد. ! "وی نسبت به هم سن و سالانش شخصیتی متفاوت داشت و هرگاه از مطالعه خسته می شد به جای بازی با هم سن و سالانش ترجیح می داد کتاب هایی در خصوص مذهب و فقه بخواند. وی در 1968-1969 در رشته پزشکی در دانشکده پزشکی دانشگاه قاهره پذیرفته شد و در 1974 با نمره عالی فارغ التحصیل شد. سپس مدرک لیسانس در جراحی را از دانشگاه قاهره در 1978 گرفت و دکترای جراحی را هنگامی که در پیشاور زندگی می کرد از دانشگاه پاکستان گرفت؛ نک.: منتصر الزیات، راه به سوی القاعده: مرد دست راست بن لادن، ص 40-41.
  - 5- . لورانس رایت، البروج المشیده، ص 311.
  - 6- . عبدالرحیم علی، تنظیم القاعده عشرون عاماً... والغزو مستمر، ص 85.

این ائتلاف در واقع اعلام تأسیس سازمان القاعده بود که در سطحی گسترده و بین المللی و با هدف مبارزه با غرب و دفاع از اسلام رسماً فعالیت آشکار خویش را آغاز کرد.

## اقدامات القاعده

### اشاره

مهم ترین اقدامات سازمان القاعده پس از تأسیس جبهه جهانی جهاد، عبارتند از:

- آگوست 1998: حمله به سفارت های آمریکا در کنیا و تانزانیا و بر جای گذاشتن 224 کشته.

- 1998: حمله به سفارت آمریکا در نایروبی و دارالسلام با 300 نفر کشته، که اغلبشان از ساکنان محلی بودند.

- اکتبر 2000: حمله به ناوشکن آمریکایی یو.اس.اس. کول در عدن یمن که 17 نفر کشته و 38 زخمی از تفنگداران دریایی آمریکا را قربانی خود قرار داد.

- 11 سپتامبر 2001: عملیاتی که در قلب آمریکا انجام گرفت. در این عملیات که نقطه اوج اقدامات سازمان القاعده محسوب می شود، با هدف قرار گرفتن برج های دوقلوی تجارت جهانی بیش از 3000 کشته در پی داشت.

- آوریل 2002: حمله به یک کنیسه یهودی در جزیره جربه تونس با 21 کشته.

- اکتبر 2002: حمله به یک کلپ شبانه در بالی اندونزی و بر جای گذاشتن 202 کشته و 300 نفر زخمی.

- می 2003: سلسله انفجاراتی که منافع آمریکا را در دار بیضا در کشور مغرب هدف قرار داده بود و بیش از 30 کشته بر جای گذاشت.

- نوامبر 2003: حمله به دو کنیسه یهودی در استانبول ترکیه و کشتن 27 تن و مجروح کردن 300 نفر.

- مارس 2004: هدف قرار دادن متروهای شهر مادرید، پایتخت اسپانیا، که در پی آن 191 نفر کشته و 1500 نفر زخمی شدند و ...

(1).

## آرا و افکار القاعده

از جنبش های سلفی مسلحانه و تروریستی در عصر حاضر، با عناوین مختلفی یاد می شود که حاکی از منشأ فکری این پدیده هاست. برخی این جنبش ها را برآمده از بنیادگرایی اسلامی می دانند، از نگاه عده ای، این جنبش ها نتیجه اسلام سیاسی یا جزئی از پیکره این اندیشه هستند و کارشناسان دیگری نیز منشأ این جنبش ها را در سلفیت و جهاد دانسته، آنها را سلفیان جهادی می نامند.

مهم ترین کتاب هایی که نظریه پردازان سلفی - جهادی نوشته اند و حاوی اصول فکری این جریان است عبارتند از: معالم فی الطریق و فی ظلال القرآن، دو اثر مهم سید قطب، المصطلحات الاربعة فی القرآن نوشته ابوالاعلی مودودی، رساله الایمان اثر صالح سریه، الفریضة الغائبة، کتاب معروف محمد عبدالسلام فرج، الجهاد و الاجتهاد نوشته ابوقتادة فلسطینی، ملة الابراهیم اثر ابومحمد مقدسی،

به عقیده کریستوفر هانزل، به طور کلی سه دسته از اندیشه ها در به وجود آمدن القاعده دخیل بوده اند؛ دسته اول، شاخه ای از مذهب وهابیت است، که از طریق شخص بن لادن به سازمان القاعده رسیده است و هانزل آن را سلفی - وهابی های انقلابی (نووهابیسیم) می نامد؛ دسته دوم، اندیشه های مودودی است که از یک طرف بر روی سید قطب تأثیر گذاشته است و از جانب دیگر به طور مستقیم و از طریق مدارس اسلامی پاکستان بر روی مجاهدان افغانی و برخی اعضای القاعده تأثیر داشت. در واقع تأثیر اندیشه حکومت اسلامی مودودی بر القاعده تأثیری غیر مستقیم بوده که به واسطه سید قطب صورت گرفته است؛ دسته سوم نیز اندیشه های سید قطب است که از طریق ایمن الظواهری به القاعده رسیده است.(3)

ص: 15

---

1- . گزارش های سایت الجزیره (<http://www.aljazeera.net>) و ویکی پدیا (<http://www.wikipedia.com>).

2- . نک.: مروان شحادة، تحولات الخطاب السلفی، ص 71.

3- . عبدالوهاب فراتی و مهدی بخشی شیخ احمد، «اسلام سیاسی و القاعده»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش 2، ص 4.

اما شخصی که بیش و پیش از سایرین در شکل‌گیری اندیشه‌های جنبش‌های سلفی - جهادی تأثیر داشته، تقی‌الدین احمد بن تیمیه، عالم حنبلی حدیث‌گرای قرن هفتم و هشتم ه.ق. است. (1)

وی در روزگاری می‌زیست که مغول‌ها بخش اعظم کشورهای اسلامی را به تصرف خویش در آورده بودند و برخی از علما به دلیل اسلام آوردن پادشاه مغول، جهاد علیه آنها را جایز نمی‌دانستند. اما ابن تیمیه برخلاف آنها، مغول‌ها را کافر می‌دانست. وی معتقد بود برخی قوانین مغول وارد شریعت اسلام شده است، پس جهاد علیه مغول‌ها مشروعیت دارد. (2)

پس از ابن تیمیه، بیشترین تأثیر بر سلفیان جهادی از آن سید قطب است. گستره تأثیر افکار سید قطب تا حدی است که بن لادن و الظواهری بارها اذعان کرده‌اند که وارثان تفکر سید قطب بوده‌اند و در مدرسه جهاد او تعلیم یافته‌اند. تنها نقطه افتراق میان تفکر سید قطب و اقدامات القاعده در این مطلب خلاصه می‌شود که بنا به شهادت دوستان و شاگردان نزدیک سید قطب، وی هیچ‌گاه به جهاد، به معنای قتل و خشونت دعوت نکرد، بلکه تمام حرف او عبور از جاهلیت و رسیدن به حاکمیت بود که در سرنگونی حکام کشورهای اسلامی و جایگزین کردن حکومت قرآنی تبلور می‌یافت. اما این رهبران القاعده بودند که با اولویت بخشی به دشمن دور، باب جهاد جهانی علیه غرب را گشودند. (3)

اصول فکری القاعده و اغلب سلفیان جهادی در عناوین کلی ذیل خلاصه می‌شود:

## 1. توحید

القاعده از دو منظر به مقوله توحید نگریسته است؛ نخست از منظر توحید عبادی (توحید الوهیت و ربوبیت و توحید اسما و صفات)، که از تعالیم ابن تیمیه و سیره وهابیت به دست آورده بود، و دوم از منظر توحید سیاسی، که به حاکمیت الهی و عبور از جاهلیت به حاکمیت الهی می‌پرداخت و از تفکرات سید قطب نشئت گرفته بود. این منظر، بنا بر آیه ( أَفَحُكْمَ

الْبَاطِلِ يَبْغُونَ )، هر حکومتی غیر از حکومت الهی را جاهلیت قلمداد می‌کرد و راه عبور از جاهلیت و رسیدن به توحید در حاکمیت را جهاد می‌دانست. از این رو، برخی از این گروه‌ها نام التوحید و الجهاد را برای خود انتخاب می‌کردند. (4)

توحید سیاسی (حاکمیت): بر اساس این دیدگاه، سید قطب با تمسک به آیه 44 سوره مائده (5)

و آیاتی با این مضمون، (6)

هر جامعه‌ای را که قوانینش بر اساس کتاب خدا و شریعت اسلامی نباشد، جامعه کفر و جاهلیت می‌داند. (7)

وی همچنین با تمسک به آیه 50 سوره مائده (8)

در کتاب فی ظلال القرآن، منظور از جاهلیت در این آیه شریفه را حکومت انسان بر انسان می‌داند، که بر اساس آن، گروهی بنده دیگران می‌شوند و الوهیت خداوند را انکار کرده، آن را به انسان واگذار می‌کنند. (9)

سید قطب در معالم فی الطریق، نگاه اسلام به جوامع بشری را این‌گونه بیان می‌کند:



از نظر اسلام، فقط دو نوع جامعه وجود دارد: جامعه اسلامی و جامعه جاهلی. جامعه اسلامی، جامعه ای است که اسلام در آن به کار گرفته شود. اسلام یعنی ایمان، ستایش خداوند، قانون گذاری، سازمان اجتماعی نظریه خلقت و شیوه رفتار. جامعه جاهلی نیز جامعه ای است که اسلام در آن به کار نمی رود و بر مبنای قوانین اسلامی اداره نمی شود؛ هرچند مردم در آن جامعه ادعای اسلام داشته باشند و نماز به جای آورند، روزه بگیرند و به حج بروند. (10)

ص: 16

- 
- 1- . همان، ص6، به نقل از الگار.
  - 2- . همان، به نقل از هانزل.
  - 3- . فواز جرجس، القاعده: الصعود والافول، ص43-45.
  - 4- . مروان شحاده، تحولات الخطاب السلفی، ص72-74.
  - 5- . (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ).
  - 6- . آیه 15 سوره شوری و آیه 50 سوره ذاریات؛ نک.: عبدالوهاب فراتی و مهدی بخشی شیخ احمد، «اسلام سیاسی و القاعده»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ص16.
  - 7- . به نقل از: سید قطب، معالم فی الطريق، ص98: ژیل کپل، پیامبر و فرعون، ص47.
  - 8- . (أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ).
  - 9- . عبدالوهاب فراتی و مهدی بخشی شیخ احمد، «اسلام سیاسی و القاعده»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش2، ص13.
  - 10- . سید قطب، معالم فی الطريق، ص105-106.

سید قطب، جاهلیت قرن بیستم را وخیم ترین نوع جاهلیتی می داند که در تاریخ بشر بر روی زمین ظاهر شده است؛ چراکه در این نوع جاهلیت، به ملت ها اجازه داده می شود نماز بخوانند و مناسک دینی را به جای بیاورند، اما حاکمیت خداوند نفی می شود و نمی گذارند ملت ها خواستار اجرای قوانین الاهی در جامعه باشند. (1) ابو محمد مقدسی، نظریه پرداز مشهور سلفیان جهادی در اردن، توحید در حاکمیت، به معنای اختصاص حاکمیت، و قانون گذاری به خداوند متعال را جزئی از توحید الوهیت می داند. (2)

عبدالله عزام، رهبر افغان العرب نیز، درباره مفهوم حاکمیت، قائل است که عمل به حکم خدا و تحاکم به کتاب و سنت، معنای اسلام است. بنابراین، تبعیت از حکم غیر خدا و تحاکم به طاغوت، خارج شدن از اسلام است و هر کس با رضایت قلبی به قوانین و احکام قراردادی بشری گردن نهد، مشرک، و از اسلام خارج شده است. (3)

## 2. جهاد

القاعده تا پیش از ظهور داعش، مهم ترین و گسترده ترین سازمان سلفیان جهادی بود که توحید و اقامه خلافت اسلامی بر مبنای آن را شعار اصلی خود قرار داده بود. اما تفاوت عمده آنها با سایر سلفیان این است که سلفیان جهادی، و در رأس آنها القاعده، تنها راه اقامه توحید و خلافت را، جهاد می دانند. اساساً منظور از القاعده، همان قاعده الجهاد است که عبدالله عزام و سایر رهبران فکری سلفیان جهادی در سخنرانی ها و نوشته های خویش همواره آن را قاعده طلایی و فراموش شده اسلام قلمداد کرده اند. (4) لبه شمشیر جهاد در تفکر سلفیان جهادی، علیه دو دشمن و در دو سمت فعال بوده است؛ ابتدا حاکمان کشورهای اسلامی، که طبق نظر سلفیان جهادی، مرتد هستند و سپس کفار و مشرکان.

سید قطب، که تحقق حاکمیت الاهی در زمین و مبارزه با طاوغیت را مهم ترین شعار خویش قرار داده بود، مسیر رسیدن به این هدف را فقط از راه جهاد و مبارزه مداوم می داند. وی در این باره نوشته است، اسلام یا هست یا نیست. اگر هست، که اسلام مبارزه و جهاد پی گیر و دامنه دار و سپس شهادت در راه خدا و در راه حق و عدالت و مساوات است و اگر نیست، نشانه اش آن است که همه به ورد و ذکر مشغول اند و به تسبیح و سجاده چسبیده اند و صبح و شام منتظرند که خود به خود از آسمان خیر و برکت و آزادی و عدالت ببارد. وی همچنین مجاهدان را تنها مسلمان های حقیقی می داند. (5)

سید قطب، به نقل از ابن قیم جوزی، شاگرد ابن تیمیه، روند تاریخی توسعه مفهوم جهاد در اسلام را این گونه شرح می دهد که، پیامبر اسلام ابتدا مأموریت می یابد که با نزدیک ترین افراد قوم خویش دعوتش را آغاز کند، و سپس به دعوت تمام ملت عرب پردازد. ایشان پس از هجرت به مدینه دستور می یابد که در کنار دعوت، از جنگ و جهاد مسلحانه نیز استفاده کند، اما فقط با کسانی که با مسلمان ها به جنگ می پردازند (جهاد دفاعی). بعد از سپری شدن این مراحل و استقرار کامل اسلام، خداوند دستور می دهد که مسلمان ها، تا استقرار نهایی دین با مشرکان بجنگند (جهاد ابتدایی). (6)

عبدالسلام فرج، سرکرده گروه جهاد اسلامی مصر و صاحب کتاب الفریضة الغائبة است که در تبلیغ و احیای فریضه جهاد نوشته شده است. وی در مقدمه این کتاب، در خصوص فضیلت جهاد در راه احیای دولت اسلامی، نوشته است:

بعد از اعلام توحید، هیچ عملی در ترازوی اعمال انسان بالاتر و افضل از تلاش برای برپایی دین نیست، که آن هم از راه جهاد محقق می شود. به دلیل قول خداوند متعال در قرآن کریم: (وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ). (7)

- 1- . عبدالوهاب فراتی و مهدی بخشی شیخ احمد، «اسلام سیاسی و القاعده»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش 2، ص 14.
- 2- . مروان شحادة، تحولات الخطاب السلفی، ص 83.
- 3- . همان، ص 86، به نقل از: ابو عبیده الانصاری، مفهوم الحاکمیه فی فکر الشهید عبدالله عزام.
- 4- . نک.: مهدی بخشی شیخ احمد، «اسلام سیاسی و القاعده»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ص 197-200.
- 5- . همان، ص 198.
- 6- . همان، ص 199.
- 7- . گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج 2، ص 1261.

عبدالسلام فرج، یکی از نظریه پردازان مبارزان سلفی، با تمسک به آیه 5 سوره توبه، که به آیه «السیف» مشهور است، قائل است که این آیه، همه آیات ماقبلش را نسخ کرده است. البته این مسئله در میان مفسران قرآن محل اختلاف است و برخی مفسران قائل به نظر عبدالسلام فرج هستند. (1)

خداوند در این آیه شریفه فرموده است: (فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ؛) (اما) وقتی ماه های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید و محاصره کنید و در هر کمین گاه، بر سر راه آنها بنشینید. (2)

عبدالسلام فرج، با تأکید بر وجوب جهاد ابتدایی و مبارزه با دشمنان اسلام، حاکمان مستبد و غیردینی کشورهای اسلامی را دشمن نزدیک و در اولویت مبارزه دانست. وی با پیروی از تفکرات ابن تیمیه، حاکمان امروزی جوامع اسلامی را با حاکمان مغول در زمان ابن تیمیه، که وی قائل به جهاد با آنها بود، یکی دانسته، معتقد است همان طور که قانون یاسای مغول برخلاف شریعت خداوند بود، قوانین امروزی کشورهای از قبیل مصر، که از غرب وارد شده است، برخلاف شریعت اسلام است. پس حکم جهاد ابن تیمیه درباره حاکمان کشورهای اسلامی در عصر حاضر نیز جاری است. (3)

ایمن الظواهری، شخص دوم القاعده و سرکرده این سازمان پس از بن لادن، در کتاب جهاد الطواغیت سنّة لا تتبدل، با اشاره به اینکه مقدمه توحید، کفر به طاغوت است (4)

و حاکمان غیرالاهی، طاغوت هستند، جمله لا اله الا الله را به معنای اعلام جنگ با تمام طاغوت ها دانسته است. وی با استناد به روایت نبوی «أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا اله الا الله»، معتقد است بر پا داشتن جمله لا اله الا الله جز با جهاد محقق نمی شود. (5)

ظواهری نیز مانند عبدالسلام فرج و اغلب سلفیان جهادی، برای مشروعیت بخشیدن به مبارزه مسلحانه علیه حاکمان کشورهای اسلامی، به مقایسه آنها با حاکمان مغول در زمان ابن تیمیه می پردازد و از فتاوی او علیه حاکمان مغول بهره می جوید. وی، ابن تیمیه را «شیخ الاسلام المجاهد» توصیف کرده، به فتاوی جهاد وی تمسک می کند. همچنین در کتاب الحوار مع الطواغیت مقبرة الدعوة و الدعاء، در تکفیر حکام عرب نوشته است: «أما كونهم كفاراً مرتدین فلقوله تعالى (وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)»؛ (6) و با استناد به تفکرات ابن قیم و سید قطب، حکومت های موجود در کشورهای اسلامی را تکفیر و دلایل این کفر را این گونه ذکر می کند:

1. نبود حکم بر طبق شریعت الاهی و تلفیق احکام الاهی با سایر قوانین بشری.

2. کوچک شمردن و تمسخر شریعت الاهی از طریق مقدم کردن سایر قوانین بر قوانین شرعی.

3. دموکراسی، که خود دلیل بر کفر است؛ چراکه بنا به قول ابوالاعلی مودودی، دموکراسی به معنای حکومت مردم و نشان دادن آنها در جایگاه خداست.

4. حلال دانستن محرّمات و تحریم حلال های شرعی؛ چنان که بنا به فتوای همه علما، جهاد علیه اسرائیل در فلسطین اشغالی واجب است، اما حکومت های اسلامی با وضع قوانین و جنگ نکردن با اسرائیل، خلاف دین خدا عمل می کنند. (7)

ظواهری، بر اساس دلایل فوق، بر لزوم جهاد علیه حکومت های موجود در کشورهای اسلامی تأکید می کند. وی در کتاب الجهاد و

فضل الشهاده، به جواز قتل زنان و کودکانی که در میان کفار هستند حکم می کند و حتی کشتن مسلمان هایی را که در میان کفار هستند، جایز می داند. او می نویسد، اگر هدف ما مشرکان باشند و به وجود عده ای از مسلمان ها در بین آنها علم داشته باشیم، با این حال نیز هدف قرار

ص: 18

- 
- 1- . همان، ص 1259-1260.
  - 2- . توبه: 5، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
  - 3- . گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج 2، ص 202.
  - 4- . (فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ)؛ بقره: 256.
  - 5- . به نقل از: عبدالرحيم على ظواهرى، حلف الارهاب، ج 3، ص 108-109.
  - 6- . گروهی از نویسندگان، السلفية النشأة المرتكزات الهوية، ص 127-128.
  - 7- . همان، ص 111-113.

دادن آنها جایز است و دیه و کفاره ای نیز به دلیل کشتن مسلمان ها بر فرد مجاهد واجب نمی شود. وی در این حکم نیز به دیدگاه های ابن تیمیه استشهد می کند. (1)

در این باره، سید امام (عبدالقادر بن عبدالعزیز)، از اعضای شورای اصلی القاعده و مشاور شرعی این سازمان، در کتابش با نام العمدة فی اعداد العدة، که سلفیان جهادی از آن استقبال کرده اند، نوشته است:

اگر کشتن کافران ممکن نباشد مگر با کشته شدن زنان و کودکان آنها، آیا کشتن زنان و کودکان در این صورت جایز است یا خیر؟

پاسخ: کشتن زنان و کودکان کفار در این صورت جایز است، حتی اگر مبارزه نکنند و به کافران کمک نرسانند؛ چراکه کشتن کفار فقط به این صورت محقق می شود. (2)

بن لادن نیز بر همین منوال می گوید، کسانی که می خواهند اسلام را بدون جهاد برقرار کنند، سیره و روش پیامبر اسلام را نفهمیده اند. وی همچنین جهاد را واجب عینی بر هر فرد مسلمان می داند که هر کس آن را ترک کند گناه کار و فاسق است. بن لادن با دعوت به سرپیچی از علمایی که قدم در راه جهاد نمی گذارند، می گوید: «دین با علم استوار نمی شود، حتی اگر تمام مردم عالم شوند. بلکه بر پا داشتن دین تنها از راه جماعت، اطاعت، پیروزی و جهاد امکان پذیر است». (3)

بن لادن درباره جهاد علیه حاکمان کشورهای اسلامی نیز گفته است:

اختلاف ما با حاکمان، اختلافی فرعی نیست که حل و فصل آن امکان داشته باشد. بلکه اختلاف ما بر سر اصل اسلام است یعنی شهادت به توحید و نبوت که این حاکمان به دلیل ارتباط با کفار، تصویب قوانین غیرشرعی و پذیرفتن قوانین سازمان ملل اصل و اساس اسلام را نقض کرده اند. (4)

وی در ادامه می گوید:

ما حق داریم پرسیم چه فرقی است میان کرزای عجم (رئیس جمهور افغانستان که به عقیده القاعده دست نشانده آمریکا است) و کرزای عرب؟ چه کسی حاکمان کشورهای عربی را نصب کرده و حمایت می کند؟ این صلیبی ها هستند که کرزای افغانستان، کرزای پاکستان، کرزای کویت، کرزای بحرین و کرزای ریاض را نصب کرده اند. (5)

### 3. جماعت

تا پیش از سقوط خلافت عثمانی، اهل سنت، قرار داشتن زیر پرچم خلافت و اطاعت از خلیفه مسلمانان را به معنای تحقق مفهوم جماعت می دانستند، اما پس از سقوط خلافت اسلامی، تاکنون سلفیان و اسلام گرایان سنی همواره در پی تحقق جماعت بوده اند. سید قطب نیز در کتاب معالم فی الطریق، با تأکید بر ضرورت وجود تشکیلات جماعت اسلامی، تحقق خارجی این مفهوم را مقدمه ایجاد حکومت اسلامی می داند. (6) جماعت از منظر آنها تشکیلاتی منسجم است که بر اساس شریعت الاهی گام برمی دارد و تحقق موالات بین مؤمنان و تعاون و همکاری در نیکی و تقواست. از این رو، بیشتر جنبش های سلفی جهادی عنوان جماعت را برای خویش برگزیده اند. (7)

سید قطب در معالم فی الطریق، احیای حکومت اسلامی را نیازمند ظهور جماعتی پیش تاز دانست، که به مبارزه با جاهلیت معاصر قیام، و مقدمات تشکیل حکومت اسلامی را مهیا کند. وی جنبش (الحركة) را مقدمه ظهور جماعت پیش تاز می دانست. از این رو، پس از سید قطب، روز به روز بر تعداد جنبش ها و جماعت های جهادی سلفی با این رویکرد افزوده شد. (8)

ص: 19

- 
- 1- . همان، ص 173-175.
  - 2- . احمد محمد الدغشی، الفكر التربوی لتنظیم القاعدة، ص 171، به نقل از: سید امام، العمدة فی اعداد العدة، ص 425.
  - 3- . عبدالرحیم علی، حلف الارهاب، ج 2، ص 77، به نقل از: بن لادن.
  - 4- . همان، ص 138.
  - 5- . همان، ص 138.
  - 6- . سید قطب، معالم فی الطریق، ص 50.
  - 7- . مروان شحادة، تحولات الخطاب السلفی، ص 88-89.
  - 8- . ژیل کپل، پیامبر و فرعون، ص 56.

ابوقتاده، از رهبران سلفیان جهادی نیز، بر ضرورت تحقق جماعت اسلامی منسجم تأکید کرده، معتقد است رسول خدا در حدیثی که اوصاف فرقه ناجیه را بیان کرده، به این جماعت اشاره کرده است و هر جماعتی از مسلمان ها که اوصاف طائفه منصوره و فرقه ناجیه را داشته باشد، تبعیت از آن واجب است. (1)

#### 4. العدو القریب و العدو البعید

سلفیان جهادی بر اساس اصول فکری خویش در دوران معاصر با دو دشمن اصلی روبه رو هستند و در دو جبهه مبارزه می کنند. جبهه نخست، حاکمانی که بنا بر دلایل پیش گفته، کافر و مرتد هستند و باید از منصب حکومت خلع شوند. جبهه دوم، کفار، یهود و صلیبی هایی که با حمایت از دیکتاتورها و با ورود به بلاد اسلامی، کشورها و مقدسات مسلمان ها را اشغال کرده اند و به گفته بن لادن، جنگی صلیبی را علیه اسلام و مسلمان ها به راه انداخته اند. (2)

عبدالسلام فرج، مؤسس سازمان جهاد مصر، نخستین کسی بود که بر اساس آیه (یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیدوا فیکم غلظة)، (3)

دو اصطلاح «العدو القریب» و «العدو البعید» را پیش کشید و بر اولویت جهاد علیه دشمن نزدیک تأکید کرد. (4)

در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی، اکثریت قریب به اتفاق سلفیان جهادی، از جمله نظریه پردازان آینده القاعده، قائل به اولویت دسته نخست، یعنی حاکمان کشورهای اسلامی، بودند. (5)

دلیل آنها آیه ای از قرآن کریم بود که مسلمان ها را به جهاد علیه دشمن نزدیک تر فرا می خواند. بر اساس این آیه شریفه که می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیدوا فیکم غلظة)، (6) سلفیان جهادی اولویت مبارزاتشان را به مبارزه علیه رژیم های موجود در کشورهای اسلامی اختصاص داده بودند.

ایمن الظواهری و همراهان مصری اش، سال هایی طولانی را در مبارزه علیه حکومت مصر گذراندند. وی در 1995 در نشریه المجاهدین، که به سازمان جهاد مصر تعلق داشت، مقاله ای را با این عنوان منتشر کرد که: «راه قدس از قاهره می گذرد» و در آن ادعا کرده بود که قدس آزاد نخواهد شد مگر پس از پیروزی اسلام گرایان در مصر و الجزایر. (7)

ظواهری در 20 می 1996، با انتقاد از جنبش جماعت اسلامی مصر می گوید اشتباه اصلی جماعت اسلامی این است که بین دشمن داخلی و دشمن خارجی فرق می گذارد. بین بریتانیا و ملک فاروق، بین آمریکا و جمال عبدالناصر و بین شوروی و جمال عبدالناصر فرق می گذارد. وی می افزاید نبرد با دشمن نزدیک در اولویت است. زیرا خداوند در قرآن می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار)؛ «با آن کافرانی که به شما نزدیک ترند بجنگید». (8)

زمانی که حامد ابوالنصر (1986) مرشد اخوان المسلمین، اظهار داشت که جهاد فقط در مقابل دشمن بیگانه جایز است، ایمن الظواهری در پاسخ به او گفت: «فرقی نمی کند که دشمن کافر، هم وطن ما باشد یا بیگانه و اجنبی؛ چراکه علت و جوب جنگ علیه او کفر اوست نه اینکه او فردی بیگانه یا هم وطن است. از این گذشته، فرد کافر با کفرش از مسلمان های هم وطنش بیگانه شده است، به دلیل این آیه شریفه قرآن که می فرماید: (قال یا نوح إنه لیس من اهلک إنه عمل غیر صالح) (9) و کسانی که میان کافر اجنبی و وطنی فرق می گذارند، مانند کسانی هستند که میان خمر (مشروبات الکلی) و وطنی و اجنبی تفاوت قائل اند. وی در ادامه می افزاید و جوب عینی جهاد علیه این



حاکمان به این معناست که فردی که با علم به وجوب، از عمل به آن سرپیچی کند مرتکب گناه کبیره شده است. (10)

ص: 20

- 
- 1- . مروان شحاده، تحولات الخطاب السلفی، ص 90-91، به نقل از: ابوقتادة.
  - 2- . مؤمن المحمدی، بن لادن ... بعبع آمریکا، ص 172، به نقل از: بن لادن.
  - 3- . توبه: 123.
  - 4- . گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج 2، ص 1259.
  - 5- . همان، ص 1256.
  - 6- . توبه: 123.
  - 7- . فواز جرجس، القاعدة: الصعود و الافول، ص 46؛ منتصر الزيات، راه به سوی القاعدة داستان مرد دست راست بن لادن، ص 97.
  - 8- . منتصر الزيات، پیشین، ص 99.
  - 9- . هود: 46.
  - 10- . عبدالرحیم علی، تنظیم القاعدة عشرون عاماً و الغزو مستمر، ص 212-213، به نقل از: ظواهری.

به عقیده سید امام (دکتر فضل)، به سه دلیل، مبارزه با رژیم ها و حاکمان کشورهای اسلامی بر مبارزه با کفار بیگانه اولویت دارد:

1. این جهاد، جهاد دفاعی محسوب می شود که بر جهاد ابتدایی اولویت دارد؛ چراکه این حاکمان دشمنان کافری هستند که بر کشورهای اسلامی تسلط یافته اند؛

2. این حاکمان مرتد هستند و مبارزه با مرتد بر جنگ با کافر اصلی تقدم دارد؛

3. حاکمان مرتد کشورهای اسلامی، به مسلمان ها نزدیک ترند و خطرشان بیشتر است. (1)

اما از اوایل دهه نود میلادی، اولویت جهاد علیه دشمن نزدیک، جای خود را به جهاد علیه دشمن دور داد و این اولویت نتیجه دو تحول اساسی در تاریخ مبارزات سلفیان جهادی بود: 1. آغاز نبرد ایالات متحده با گروه های جهادی، طرد آنها از افغانستان و بازداشت سرکردگان آنها در نقاط مختلف جهان؛ (2) 2. جنگ خلیج فارس و حضور نیروهای آمریکایی در خاک جزیره العرب، که به عقیده بن لادن، اشغال یکی دیگر از مقدسات مسلمان ها پس از مسجدالاقصی محسوب می شد؛ (3) 3. حمایت آمریکا از حاکمان کشورهای عربی در برابر اسلام گرایان و سلفیان جهادی. (4)

## 5. ایران

ایمن الظواهری، سرکرده فعلی القاعده، در مصاحبه با نشریه الانصار در 1415 هـ.ق.، رسماً موضع این سازمان را در قبال ایران مشخص کرده است. در این مصاحبه از ایمن الظواهری پرسیدند که: «رسانه ها غالباً جنبش های اسلامی را به پذیرش حمایت ایران و دریافت کمک از آن متهم می کنند؛ به ویژه رسانه های مصر که آنها را به تبعیت از ایران شیعی متهم می کنند. نظر شما چیست؟»

وی در پاسخ گفت:

این تهمت ها همگی افترای محض است و ما در قبال ایران موضعی واضح و روشن داریم که مبتنی بر حقایق اعتقادی و علمی است. ما، همان طور که گفتیم، ملتزم به مذهب سلف صالح هستیم و بنابراین میان ما و شیعیان تفاوت ها و شکاف های واضحی است؛ چراکه شیعه دوازده امامی نزد ما یکی از فرقه های بدعت گرا محسوب می شود که بدعت هایی اعتقادی را در دین وارد کرده و شیعیان را بدان جا رسانده است که:

1. قائل به کفر ابوبکر، عمر، مادران مؤمنین (همسران پیامبر) و صحابه و تابعین هستند و آشکارا آنها را سب و لعن می کنند.

2. قائل به تحریف قرآن هستند. چنانچه اغلب علما و محققانشان قائل هستند به جز چهار نفر، یعنی ابن بابویه قمی، سید مرتضی، ابوجعفر طوسی و ابوعلی طبرسی، که بنا به قول یکی از محققانشان، سید نعمت الله جزائری، این چهار نفر نیز صرفاً برای اینکه باب طعن بر شیعه را ببندند قائل به عدم تحریف شده اند.

3. ادعای عصمت امامان دوازده گانه و اینکه این امامان به جایی رسیدند که هیچ نبی مرسل و ملک مقربی به آن نرسیده است.

4. ادعای غیبت و رجعت امام دوازدهم و عقایدی از این قبیل.

اینها عقایدی است که اگر کسی پس از اقامه حجت، باز هم قائل به اینها باشد مرتد است. اما کسی که جاهل باشد و بنا بر احادیثی که گمان می کند صحیح هستند قائل به این مسائل شده است، یا شخصی عامی و جاهل باشد، معذور است.

ایمن الظواهری، سپس، درباره موضع ایران پس از انقلاب اسلامی گفت:

رهبران انقلاب ایران پس از انقلاب علیه شاه، که به دلیل انحرافش از اسلام صورت گرفت، ادعا کردند که انقلابشان اسلامی است، نه شیعی و در هر جا که ملت های مسلمان تحت فشار باشند بدون تفاوت میان شیعه و سنی، در کنار آنها خواهند بود. اما حقایق روزبه روز نشان داد که این سخن صرف ادعا بوده و رهبران ایران فقط در جایی موضع گیری می کنند که به نفع شیعیان باشد و در جاهای دیگر حتی اگر مبارزه میان اسلام و کفر باشد جهالت پیشه می کنند. و از این نمونه:

1. موضعشان نسبت به انقلاب سوریه است که جانب حافظ اسد را گرفتند و گفتند که اخوان المسلمین، مزدوران آمریکا هستند.

ص: 21

---

1- گروهی از نویسندگان، السلفية؛ النشأة، المرتکزات، الهویة، ص 137.

2- گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج 2، ص 1271، به نقل از: ظواهری.

3- مهدی بخشی شیخ احمد، اسلام سیاسی و القاعده، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش 2، ص 206، به نقل از: بن لادن.

4- گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج 2، ص 1271-1272.

2. در میدان جهاد افغانستان نیز فقط به گروه های شیعی کمک رسانی می کردند.

3. موضعشان درباره اخراج مجاهدان عرب از پاکستان نیز تجاهل بود و هیچ دخالتی نکردند و به هیچ مجاهد عربی در خاک ایران خوش آمد نگفتند.

4. در قبال جهاد در مصر و الجزایر هیچ کمکی از جانب ایران نشد و مجاهدان را در جنگ خونین با طاغوت ها تنها گذاشتند.

آنها با هر جنبشی که در مدارشان باشد همکاری می کنند و به طور خلاصه موضع ما در قبال ایران این است که ما تابع ایران نیستیم.

وی در ادامه به جنبش های جهادی که بر مدار ایران هستند گفت این شیوه برای شما منفعتی ندارد و در مقابل اندک حمایت ایران، شما به اینکه دست نشانندگان ایران هستید محکوم می شوید و احترامتان را در میان اهل سنت از دست می دهید. (1)

## 6. جنبش اسلامی حماس

مصطفی ابو الیزید، از رهبران ارشد سازمان القاعده، درباره جنبش حماس گفته است:

موضع ما درباره سازمان حماس واضح و آشکار است. ما آنها را نصیحت می کنیم که از ورود به مجالس شرک آمیز و التزام و احترام به قراردادهای بین المللی و عربی دست بردارند؛ دست خویش را در دست مزدوران خیانت کار و مرتد در حکومت فلسطین نگذارند؛ از اظهار علاقه و احترام به سران رژیم های مرتد دست بردارند و از اجرای احکام و شریعت الاهی کوتاه نیایند. (2)

## 7. وهابیت

اختلاف های فراوان القاعده با علمای وهابیت، حمایت نکردن این علما از سلفیان جهادی در مقاطع مختلف و همراهی علمای وهابیت با اقدامات غیرشرعی حکام سعودی، باعث شده است القاعده، همواره وهابیت را به عنوان اسلام درباری و منفعل معرفی کند. در این زمینه، بیانیه ها و نامه های متعددی از جانب سران القاعده علیه عالمان وهابی منتشر شده است.

بن لادن در نامه ای خطاب به عبدالعزیز بن باز، مفتی اعظم وهابیان، وی را متهم به سکوت در برابر فساد و همراهی با شرک حاکمان کرده است. برای مثال، وی یکی از موارد فساد را ربا در بانک های عربستان می داند و خطاب به بن باز می نویسد، با وجود این فساد بزرگ در بانک های عربستان، از شما جز اینکه بگویند ربا حرام است، چیز دیگری نشنیدیم. این گونه سخن گفتن در واقع فریب دادن مردم است؛ چراکه میان معامله کننده به ربا و کسی که ربا را به عنوان قانون مصوب می کند، تفاوت بسیاری است. معامله کننده به ربا، فقط مرتکب یکی از بزرگ ترین گناهان شده است، در حالی که مشروعیت دهنده به ربا، مرتد و کافر است؛ زیرا برای خدا در قانون گذاری شریک قرار داده است. وی همچنین با اشاره به اقدام پادشاه عربستان در آویختن صلیب به گردن خویش خطاب به بن باز نوشته است، شما فقط به تأویل و توجیه اقدامات پادشاه مشغول هستید.

در ادامه این نامه نیز، بن لادن با برشمردن موارد مختلفی که به عقیده او خروج از اسلام در عربستان سعودی و در نتیجه عملکرد حاکمان است، عالمان وهابی و در رأس آنها مفتی اعظم عربستان را به فریب دادن مردم و همراهی با حاکمان متهم می کند. (3)

ایمن الظواهری، سرکرده فعلی القاعده نیز، در نامه ها و بیانیه هایی متعدد، (4)

علمای وهابی و حتی عالمان الأزهر را به هم دستی با حاکمان مرتد عرب متهم می کند.

القاعده در جهان امروز

پس از کشته شدن بن لادن در می 2011، معاون وی، ایمن الظواهری، در شصت سالگی رهبری سازمان القاعده را به عهده گرفت. تفاوت های بسیاری میان ظواهری و بن لادن وجود دارد؛ چراکه بیشترین رویکرد هجومی بن لادن علیه آمریکا و غرب بود، در حالی که ایمن

ص: 22

- 
- 1- . همان، ج 3، ص 315-316.
  - 2- . احمد محمد الدغشی، الفكر التربوی لتنظیم القاعده، ص 182-183، به نقل از: مصطفی ابی الیزید، منبر التوحید.
  - 3- . همان، ج 2، ص 153، نامه بن لادن به بن باز.
  - 4- . مانند: «نصح الامة باجتنب فتوی الشيخ ابن باز بجواز دخول مجلس الامة، كشف الزور و البهتان فی حلف الكهنة و السلطان، الرد علی شبهة خطيرة للشيخ الالبانی بشأن السكوت عن الحکام المرتدین، ابن باز بین الحقيقة و الوهم»؛ همان، ج 3.

الظواهری با توجه به سابقه اش در جنبش جهاد اسلامی مصر، در زمان حضورش در القاعده نیز بیشتر در خصوص مبارزه با حکام منطقه موضع گیری کرده است. تفکر وی سلفی محض است. او پس از روی کار آمدن اخوان در مصر، آنها را به کنار گذاشتن بدعت دموکراسی و پذیرش سیستم خلافت اسلامی نصیحت کرد و در عین حال سیستم انتخابات را تحت قانون اساسی اسلامی تأیید کرد. (1)

برخی از کارشناسان، به ثمر نشستن اعتراضات مسالمت آمیز مردمی در مصر، تونس و لیبی را، که به روی کار آمدن احزاب اسلام گرا انجامید، شکستی برای ایدئولوژی القاعده و هم مسلکان جهادی اش می دانستند. در این باره صفوت عبدالغنی، از رهبران سلفی مصر، که همواره به جهاد و مبارزه علیه حکومت غیردینی و مستبد مصر دعوت کرده است، با اعلام پایان قدرت القاعده در جهان عرب گفت: «سرکوب القاعده از طریق جنگ علیه تروریسم نبود، بلکه با انقلاب های مردمی در کشورهای اسلامی، که ضرورت وجود القاعده را منتفی ساختند دیگر دلیلی برای وجود این سازمان باقی نمانده است». (2)

اما پس از بروز امواج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه، القاعده و گروه های سلفی جهادی، که دیگر جایگاه و محبوبیتی در میان ملت های مسلمان نداشتند، فرصت را غنیمت شمردند؛ چراکه پس از سرنگونی دیکتاتوری های منطقه، تقابل اسلام گرایان و غرب گرایان در کشورهای اسلامی، می توانست به نفع آنها باشد. به ویژه با روی کار آمدن احزاب اسلامی در کشورهای مصر، تونس و لیبی، که در ادامه با مخالفت غرب گرایان، اوضاع این کشورها به هرج و مرج کشیده شد.

عوامل گوناگونی، زمینه های گرایش به تفکر جهادی را در میان جوانان مسلمان افزایش داد، از جمله نبود آرامش و نظم، درگیری میان اسلام گرایان و غرب گرایان، به انزوا کشیده شدن اسلام گرایان و ممنوعیت فعالیت احزاب اسلامی در کشورهای اسلامی؛ و این همان چیزی بود که القاعده، داعش و سایر گروه های سلفی جهادی به دنبال آن بودند. درک جوانان مسلمان از این مسئله، که رویکرد غیر جهادی و حزب گرایانه مانند اخوان المسلمین قادر به برپایی حکومت اسلامی نیست، خود پیروزی بزرگی برای سلفیه جهادی محسوب می شد؛ چراکه از سال ها پیش بزرگان سلفیه جهادی بر این عقیده پافشاری می کردند که خلافت اسلامی جز با جهاد حاصل نمی شود. نیال فرگوسن، استاد تاریخ در دانشگاه هاروارد آمریکا نیز از کسانی بود که اعتقاد داشت، بهار عربی اگر این گونه پیش رود، به نفع القاعده تمام خواهد شد. (3)

از طرفی بحران درگیری ها در سوریه، این کشور را به محل قدرت یابی و جذب نیرو برای گروه های سلفی جهادی مبدل کرد. القاعده نیز از این قاعده مستثنا نبود و با حضور فعال در سوریه، مصر، لیبی و یمن به بازیابی قدرت خود پرداخت. از این رو، رهبران القاعده از سلفیان جهادی بودند که تحولات بیداری اسلامی را به فال نیک گرفتند. برخلاف برخی دیگر که آن را انقلابی برای رفع گرسنگی و حرکتی بی فایده دانستند و بر ادامه راه جهاد تأکید کردند.

القاعده، در حال حاضر با بهره گیری از اوضاع بحرانی موجود در کشورهای منطقه، بیشترین بهره را برده است. اما از آنجایی که این سازمان به شکل شاخه های جدا در کشورهای مختلف در حال فعالیت است، باید شاخه های آن را جداگانه در هر کشور بررسی کنیم.

## القاعده در شبه جزیره عربی

القاعده در شبه جزیره عربی (4)

این شاخه، نخستین شاخه القاعده در خارج از افغانستان است، که با این شعار فعالیتش را آغاز کرد: «أخرجوا المشركين من جزيرة

العرب». القاعده در شبه جزيره به رهبري يوسف العبيري اداره مي شد و توانست بين سال هاي 2003 تا 2008 عمليات هايي نه چندان بزرگ را در عربستان صورت دهد. القاعده در عربستان سعودي با برخورد سخت پليس اين کشور مواجه شد و در 2003 نخستين سرکرده اين تشکيلات در درگيري با نيروهاي دولتي کشته شد. در 2008 نيز در اثر فشارها و حملات پليس سعودي، اکثر رهبران و نيروهاي اصلي

ص: 23

---

1- . عبدالباري عطوان، مابعد بن لادن، ص 33-35، 51.

2- . گروهی از نويسندگان، القاعده بعد ابن لادن، ص 11، به نقل از: صفوت عبدالغني.

3- . همان، ص 52.

4- . «شبه جزيره عربي شامل عربستان سعودي، يمن، کويت، بحرين، امارات و عمان مي شود که ثروتمندترين کشورهاي عربي هستند»؛ همان، ص 99.

القاعده از این کشور گریختند و بیشتر آنها به یمن رفتند. بر همین اساس، شاخه القاعده در عربستان و شاخه یمنی این سازمان با یکدیگر ادغام شدند. (1)

در یمن نیز ابوالحسن المحضار از نخستین رهبران القاعده بود که توانست با جذب جوان های سلفی یمن در منطقه مراقشه، میان دو استان شبوه و ابین، به آنها آموزش های نظامی دهد و در اقدامات مسلحانه از آنها استفاده کند. نخستین رهبر رسمی القاعده در یمن، ابوعلی الحارثی نام داشت که با بمب افکن هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی، در 2002، از پای درآمد. القاعده یمن به تلافی این ضربه، نفت کش فرانسوی لامبرگ را هدف قرار داد.

در دسامبر 2009، شاخه القاعده در جزیره العرب، با القاعده یمن تلفیق شد و خود را «تنظیم القاعده فی جزیره العرب» نامید و با ابی بصیر (ناصر الوحیسی)، که تابعیتی یمنی داشت به عنوان رهبر این جریان در جزیره العرب بیعت کرد. سعید الشهری (باسفیان الازدی)، که تابعیت سعودی داشت، به عنوان نایب وحیسی انتخاب شد، اما وی طبق اعلان سازمان امنیتی یمن در 2011 کشته شد. (2)

پس از هجرت عناصر اصلی گروه عربستان سعودی به یمن، مرکز اصلی القاعده شبه جزیره، در یمن مستقر شد و به فعالیت پرداخت.

قدرت القاعده در یمن همواره به دو عامل بستگی داشته است: 1. حمایت مالی از خارج؛ 2. همراهی و هماهنگی از داخل و از جانب سران قبایل یمن، که از حمایت ها و کمک های حکومت مرکزی ناامید بوده اند. (3)

برخی معتقدند دولت یمن نیز از طریق همکاری با القاعده، در پی جلب منافع برای خویش بوده، با دمیدن در مسئله حضور القاعده در یمن، حمایت های مالی و سیاسی غرب را متوجه خود کرده است. (4)

## اهداف ویژه القاعده در شبه جزیره

این شاخه از القاعده، علاوه بر هدف های کلی پیش روی سازمان مانند مبارزه با کفار و ایجاد خلافت اسلامی، دو هدف ویژه را دنبال می کند که با تمسک به روایات نبوی به ترسیم این اهداف اقدام کرده است.

هدف نخست، برآمده از برخی روایات نبوی، حاکی از اراده پیامبر و فرمان او به اخراج یهود و کفار از شبه جزیره عربی است. احادیثی مانند «اخرجو الیهود من جزیره العرب»؛ یا روایاتی که در صحیح مسلم در کتاب الجهاد و السیر، باب اجلاء الیهود با این بیان آمده است که: «لأخرجن

الیهود و النصارى من جزیره العرب حتى لأدع الا مسلماً». بنا بر این روایات، رهبران القاعده در شبه جزیره عربی یکی از مهم ترین اهداف خود را اخراج یهود و نصارا از شبه جزیره عربی می دانند. (5)

هدف بعدی و ویژه القاعده در شبه جزیره، تشکیل سپاهیبانی در یمن است که پیامبر اسلام از آنها خبر داده است. روایاتی که بدین منظور مستمسک القاعده قرار گرفته اند، روایاتی نبوی با این عبارت هستند که: «یخرج من عدن (در برخی روایات من عدن ابین آمده) اثناعش - ألفاً ینصرون الله ورسوله، هم خیر من بینی و بینهم». این روایت را احمد بن حنبل، ابویعلی و طبرانی نقل کرده اند و ابن جوزی به ضعف این روایت قائل بوده است. اما مقبل بن هادی الوادعی، از علمای سلفی یمن، که تأثیر گسترده ای بر ترویج تفکرات سلفی در این کشور داشته است، در المخرج من الفتنة، این روایت را صحیح دانسته است. اعضای القاعده نیز در پی تحقق این روایت، در حال جذب جوان



های یمن هستند که در منطقه عدن چنین سپاه‌هایی را تشکیل دهند. (6)

در 2011، شاخه‌ای جدید با نام انصار الشریعة، به فرماندهی جلال محسن بلیدی مرقوشی، معروف به ابوحمزه، در یمن پدید آمد که به نظر می‌آید این اقدام، صرفاً برای ایجاد نامی جدید بود که در خلال تحولات بیداری بتواند به جذب نیروهای بیشتری پردازد. القاعده توانست با استفاده از این فرصت، بر بخش‌هایی از یمن سیطره یابد و در جنوب یمن، نزدیک خلیج عدن، یعنی در جغرافیای استراتژیک،

ص: 24

---

1- . گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج2، ص 1417-1424.

2- . احمد محمد الدغشی، الفكر التربوي لتنظيم القاعدة، ص 27؛ همان، ص 2381-2385.

3- . گروهی از نویسندگان، القاعدة بعد ابن لادن، ص 111-112.

4- . همان، ص 112.

5- . احمد محمد الدغشی، الفكر التربوي لتنظيم القاعدة، ص 35.

6- . همان، ص 35.

امارتی اسلامی را تحت رهبری خود تأسیس کند. این مکان در نزدیکی تنگه باب المندب قرار دارد و روزانه حدود چهار میلیون بشکه نفت از آنجا عبور داده می‌شود. در طرف دیگر خلیج عدن نیز جنبش شباب، یعنی شاخه القاعده در سومالی، قرار گرفته است. (1)

القاعده در یمن با شدت به گسترش نفوذ خود در این کشور می‌پردازد. یمن به محلی مناسب و امن برای آموزش نیروهای القاعده و انتقال این نیروها به سایر کشورها مبدل شده است. (2)

از طرفی دخالت‌های آمریکا در یمن و کشته شدن مردم این کشور با هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی، خود عامل جذب جوان‌های سنی این کشور به سازمان القاعده بوده است. (3)

القاعده در شبه جزیره، که اکنون نام انصار الشریعة را نیز بر پیشانی دارد، در 2012، در جشن سومین سالگرد تأسیس خود، پیروزی‌های خویش در سه سال اخیر را این‌گونه اعلام کرد:

1. پرداختن موفقیت آمیز به سه جنگ هم‌زمان؛ جنگ با نیروهای کفر (نظام علی عبدالله صالح)، دفاع از خود در مقابل هجوم مستقیم صلیبی‌های آمریکایی و مبارزه با رافضی‌های شمال (حوثی‌های یمن).

2. افشای کسانی که حوثی‌های زیدی نامیده می‌شوند به عنوان دست‌نشانندگان ایران، که برادران ما در سازمان القاعده شبه جزیره حملات سنگین و ویرانگری را علیه این گروه صورت دادند.

3. سرنگون کردن علی عبدالله صالح از سلطنت؛ بر همه روشن است که سرنگونی عبدالله صالح هیچ ارتباطی با تظاهرات مردمی و نگرانی‌های غرب از کشتار مردم به دست رژیم عبدالله صالح ندارد و غرب زمانی که فهمید علی عبدالله صالح توانایی کنترل کشور را ندارد و امکان سقوط کشور در دست القاعده وجود دارد، وی را برکنار کرد.

4. تحمیل تلفات سنگین بر اقتصاد صلیبی‌ها (غرب).

5. استیلاي مجاهدان القاعده شبه جزیره بر مساحت گسترده‌ای از خاک جنوب یمن و اجرای احکام شریعت و امر به معروف و نهی از منکر در مناطق تحت سیطره شان. (4)

## القاعده در مغرب عربی

مغرب عربی شامل کشورهای شمال آفریقا تا غرب رود نیل است. کشورهای لیبی، تونس، الجزایر، مراکش و صحرای غربی در این گستره قرار دارند. حضور بن لادن در سودان به همراه عده‌ای از مبارزان القاعده، که تعدادی از آنها تابعیت کشورهایمانند لیبی و الجزایر را داشتند، نقطه عطفی در شکل‌گیری شاخه‌های القاعده در کشورهای شمال آفریقا بود.

مجموعه اسلامی جنگجویان لیبی به رهبری عبدالحمیم بلحاج در 1995 رسماً اعلام حضور کرد و با صورت دادن چند عملیات علیه حکومت قذافی وارد فعالیت شد. بیشتر عناصر القاعده لیبی در شهر بن‌غازی قرار داشتند که در 2011 به مرکز انقلاب مردم لیبی علیه قذافی تبدیل شد و نیروها و جنگنده‌های قذافی به آن هجوم بردند. در اثر این هجوم، برخی سران القاعده از بن‌غازی گریختند و در شهرهای لندن و منچستر انگلستان پناهنده شدند. (5)

احزاب و جنبش های افراطی و جهادی در الجزایر از اواسط 1982 با رهبری سید بویعلی، که در 1985 کشته شد، فعالیت های خود را علیه حکومت این کشور آغاز کردند. در دهه نود گروه های جهادی مختلفی، مانند ارتش اسلامی نجات(6)

و گردان شهادت در الجزایر، ظهور کردند و به مبارزه با حکومت پرداختند. مهم ترین عامل تشدید فعالیت های گروه های جهادی در الجزایر، جهاد در افغانستان و هجرت جهادی های الجزایر به این کشور بود، که پس از بازگشت با روحیه ای مضاعف به جهاد علیه حکومت الجزایر فرا خواندند.

ص: 25

---

1- . عبدالباری عطوان، مابعد بن لادن، ص 101-102.

2- . گروهی از نویسندگان، القاعده بعد ابن لادن، ص 117.

3- . همان، ص 109-110.

4- . همان، ص 127-128.

5- . همان، ص 262-264.

6- . شاخه مسلح حزب جبهه اسلامی نجات در الجزایر است که رهبری این حزب به دست شیخ عباس مدنی و پس از او بر دوش علی بلحاج قرار دارد.

در 1988، گروهی با نام «الجماعة السلفية للدعوة و القتال»، به رهبری عبدالمجید دیشو، تأسیس شد که می‌کوشید میان جهادی‌های الجزایر اتحاد ایجاد کند. این گروه با ملحق شدن به القاعده، به شاخه این سازمان در الجزایر تبدیل شد و در 2007 به «تنظیم القاعدة فی بلاد المغرب الاسلامی» تغییر نام داد. همچنین، علاوه بر صورت دادن عملیات گروگان‌گیری و کشتار در کشورهای مغرب اسلامی، با جذب و آموزش نیروهای داوطلب، آنها را به عراق و افغانستان می‌فرستاد. (1)

تحولات بیداری اسلامی در مغرب عربی، تأثیرات فراوانی بر جای گذاشت و القاعده نیز توانست از این فرصت به نفع خویش بهره‌برداری کند. عناصر این سازمان توانستند با استفاده از ناامنی‌ها و هرج و مرج پیش آمده، نفوذشان را در این منطقه افزایش دهند.

اما در مواجهه با تحولات بیداری اسلامی، میان سلفیان در الجزایر اتفاق نظری وجود نداشت. عبدالملک الرضانی، یکی از رهبران سلفی صاحب نفوذ در الجزایر، که در عربستان سکنا گزیده است، با صدور فتوایی قیام علیه حکومت را ممنوع دانست و اعلام کرد وقتی که رهبر کشور، مسلمان باشد بر شما واجب است از او اطاعت کنید. از سوی دیگر، شیخ عبدالفتاح زراوی، از علمای پایتخت الجزایر، آشکارا مردم را به تظاهرات علیه حکومت فراخواند که البته پلیس و سازمان اطلاعاتی این کشور این تظاهرات را خنثا کرد. طبیعی است که در این میان، رهبران القاعده نیز به دنبال تغییر و قیام در الجزایر بودند. چنان‌که الظواهری در اکتبر 2011 با صدور بیانیه‌ای علاوه بر تبریک به مردم لیبی، به مناسبت قیام و پیروزی شان علیه قذافی، مردم الجزایر را نیز به قیام علیه حکومتشان دعوت کرد. (2)

نیروهای القاعده توانستند با بهره‌گیری از فرصت به دست آمده در لیبی، به مخازن سلاح‌های ارتش این کشور، که حاوی موشک‌ها و سلاح‌های پیشرفته بود، دست یابند و در سایر کشورها نیز نفوذشان را گسترش دهند. سازمان ملل در این خصوص، در گزارش خود در ژانویه 2012 نوشت: «سازمان القاعده در مغرب اسلامی با ارائه خدمات و کمک‌های بشری در مناطق دورافتاده‌ای که از کنترل حکومت‌ها خارج شده، توانسته است به جایگاه مردمی مناسبی در این مناطق دست یابد و با جذب نیرو، شبکه‌هایی را نیز برای جمع‌آوری اطلاعات و اسلحه ترتیب دهد». (3)

## القاعده در عراق

ابومصعب زرقاوی و عده‌ای از همراهانش، که تشکیلات التوحید و الجهاد را در 2001 در افغانستان تأسیس کرده بودند، پس از سقوط رژیم صدام در حمله نظامی آمریکا وارد عراق شدند تا راهی را که در افغانستان آغاز شده بود در عراق ادامه دهند. در 27 دسامبر 2004، بن‌لادن در بیانیه‌ای که شبکه الجزیره آن را منتشر کرد، ابومصعب زرقاوی را به رهبری شاخه القاعده در عراق منصوب کرد. وی همچنین مردم عراق را از شرکت در انتخابات بر حذر داشت و تأکید کرد هر کس در انتخابات شرکت کند، کافر شده است. (4)

زرقاوی پس از ورود به عراق با سایر گروه‌های جهادی سلفی و سنی در داخل و خارج عراق به رایزنی پرداخت و با جذب نیرو و سلاح در 2004، نام «القاعده فی بلاد الرافدین» را بر تشکیلات خود نهاد. وی ابتدا چند عملیات را علیه نیروهای آمریکایی در عراق ترتیب داد اما دیری نپایید که شیعیان عراق هدف اصلی اقدامات تروریستی وی قرار گرفتند. (5)

وی نقش مؤثری در تشکیل مجلس شورای مجاهدین ایفا کرد؛ مجلسی که پنج یا شش گروه جهادی را در بر داشت. رهبری این تشکیلات ابتدا بر عهده عبدالله راشد البغدادی و پس از وی بر دوش ابوعمر البغدادی بود.

عملکرد زرقاوی و تعصبات مذهبی‌اش به مشکلی برای القاعده تبدیل شد، به طوری که وی با این سازمان زاویه پیدا کرد و بیشتر عناصر

القاعده، که از افغانستان به عراق آمده بودند، با روش وی ابراز مخالفت کردند. بن لادن نیز زرقاوی را سرزنش کرد و مقام و رتبه وی را تنزل داد. (6)

ص: 26

- 
- 1- . گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج2، ص1538-1542.
  - 2- . عبدالباری عطوان، مابعد بن لادن، ص216-217.
  - 3- . همان، ص219-220.
  - 4- . جمال عبدالرحیم، ایمن الطواهری، ص160.
  - 5- . گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ج2، ص1454-1456.
  - 6- . عبدالباری عطوان، مابعد بن لادن، ص178.

با کشته شدن زرقاوی در ژوئن 2006، خلأ رهبری در القاعده عراق باعث شد مجلس شورای مجاهدین به ندرت به جای القاعده فی بلاد الرافدین ایفای نقش کند. این مجلس در اکتبر 2006 به «دولت اسلامی عراق» تغییر نام داد و رسماً در پی برپایی حکومت اسلامی مد نظر خویش در کشور عراق برآمد. (1)

این تشکیلات پس از کشته شدن ابو عمر البغدادی در 2010 و جانشینی ابوبکر البغدادی، با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب های فراوان و با استفاده از فرصت به دست آمده در سوریه، نام «دولت اسلامی عراق و شام» و سپس نام «دولت اسلامی» را برای خود انتخاب کرد و تمام کشورهای اسلامی و حتی برخی کشورهای اروپایی را نیز داخل در مرز خویش دانست و ابوبکر البغدادی را امیر المؤمنین لقب داد.

## القاعده در افغانستان

خروج بن لادن از سودان و بازگشت وی به افغانستان در 1996، این کشور را به محور تمرکز القاعده تبدیل کرد. حمایت طالبان از القاعده و پشتیبانی این جنبش از بن لادن تا جایی بود که حتی زمانی که عده ای برای ترور بن لادن اقدام کردند، از جانب تشکیلات اطلاعاتی طالبان تعقیب و عده ای از آنها کشته و برخی دیگر بازداشت شدند. طالبان مناطقی امن، زمین هایی زراعی و اردوگاه هایی نظامی را در خاک افغانستان در اختیار القاعده قرار دادند. اما در اثر اقدامات القاعده علیه آمریکا مانند حمله به سفارت های این کشور و واقعه یازده سپتامبر، ایالات متحده نیز با حمله به مراکز القاعده در افغانستان، با شعار مبارزه با تروریسم، سازمان القاعده در افغانستان را هدف گرفت. این امر باعث شد بیشتر نیروهای القاعده خاک افغانستان را به قصد پاکستان ترک کنند و در مناطق مرزی میان این دو کشور مستقر شوند. با وجود انتقال اغلب عناصر القاعده به پاکستان، عده ای از نیروهای این سازمان در افغانستان باقی ماندند و در کنار طالبان به فعالیت پرداختند. (2)

ص: 27

- 
- 1- . همان، ص 278؛ گروهی از نویسندگان، الحركات الاسلامية في الوطن العربي، ص 1485.
  - 2- . عبدالباری عطوان، القاعده: التنظيم السري، ص 173-188.

1. بخشی شیخ احمد، مهدی (1385). «جهاد از ابن تیمیه تا بن لادن»، در: نشریه راهبرد، ش 39، ص 193-214.
2. ----- (1387). «القاعده و تروریسم مذهبی»، در: فصل نامه علوم سیاسی، ش 41، ص 193-216.
3. برگر، پیتر ال. (1390). اسامه بن لادن، ترجمه: عباس قلی غفاری فرد، تهران: اطلاعات، چاپ اول.
4. جرجس، فواز (2012). القاعده: الصعود و الافول، ترجمه: محمد شیا، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، الطبعة الاولى.
5. الدغشی، احمد محمد (2012). الفكر التربوی لتنظیم القاعده، ریاض: مرکز الدین و السياسة، الطبعة الاولى.
6. رایت، لورانس (2008). البروج المشیدة؛ القاعده و الطريق الی 11 سبتمبر، قاهره: كلمات، الطبعة الرابعة.
7. الزیات، منتصر (1385). راه به سوی القاعده: داستان مرد دست راست بن لادن، ترجمه: لیلا رشیدی رستمی، تهران: آزادمهر، چاپ اول.
8. سید قطب (1979). معالم فی الطريق، بیروت: دار الشروق، الطبعة السادسة.
9. شحادة، مروان (2010). تحولات الخطاب السلفی؛ الحركات الجهادیة - حالة دراسة، بیروت: العربية، الطبعة الاولى.
10. الطویل، کمیل (2007). القاعده و اخواتها؛ قصة الجهادیین العرب، بیروت: دار الساقی، الطبعة الاولى.
11. عباس زاده فتح آبادی، مهدی (1388). «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، در: فصل نامه سیاست، دوره 39، ش 4، ص 109-128.
12. عبدالرحیم، جمال (بی تا). ایمن الظواهری، قاهره: مدبولی الصغیر.
13. عبدالله خانی، علی (1388). کتاب امنیت بین الملل، تهران: مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ اول.
14. عطوان، عبدالباری (2012). القاعده؛ التنظيم السری، بیروت: دار الساقی، الطبعة الثالثة.
15. ----- (2013). ما بعد بن لادن؛ القاعده الجيل التالي، بیروت: دار الساقی، الطبعة الاولى.
16. علی، عبدالرحیم (2005). حلف الارهاب تنظیم القاعده من عبدالله عزام الی ایمن الظواهری، قاهره: مرکز المحروسة، الطبعة الثانية.
17. ----- (2007). تنظیم القاعده عشرون عاماً... والغزو مستمر، قاهره: المحروسة، الطبعة الاولى.
18. فراتی، عبدالوهاب؛ بخشی شیخ احمد، مهدی (1391). «اسلام سیاسی و القاعده»، در: فصل نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش 2، ص 1-34.

19. كپل، ژیل (1382). پیامبر و فرعون، ترجمه: حمید احمدی، تهران: کیهان، چاپ سوم.
20. گروهی از نویسندگان (2004). السلفية؛ النشأة، المراكز، الهوية، بیروت: معهد المعارف الحکمیة.
21. گروهی از نویسندگان (2012). الفتنة الغائبة؛ جماعة الجهاد فی مصر، امارات متحده عربی: المسبار، الطبعة الاولى.
22. گروهی از نویسندگان (2012). القاعدة بعد ابن لادن، امارات متحده عربی: المسبار، الطبعة الاولى.
23. گروهی از نویسندگان (2013). الحركات الاسلامية فی الوطن العربی، اشرف: عبدالغنی عماد، بیروت: مركز الدراسات الوحدة العربیة.
24. المحمدی، مؤمن (2009). بن لادن... بعبع أمريكا، قاهره: كنوز، الطبعة الثانية.
25. المولی، سعود (2012). الجماعات الاسلامية والعنف، دبی: المسبار، الطبعة الاولى.
26. نجفی جویباری، خورشید؛ شمسینی غیاثوند، حسن (1391). «واکاوی نوینادگرایی اسلامی و جهانی شدن هویت»، در: فصل نامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش 3، ص 77-100.
27. الهلوش، عبدالرحمن مظهر (2011). الشيخ والطبيب؛ اسامه بن لادن و ایمن الظواهری، لبنان: ریاض الریس، الطبعة الاولى.

<http://ar.wikipedia.org>.28

<http://www.aljazeera.net>



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

